فارسی ۳

ستایش: ملکا ذکر تو گویم

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱	پویندن	دویدن، به هر سو رفتن	پویش	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم		همه توحید تو گویم که به توحید سزایی		
۱	ثنا	ستایش، درود، سپاس	-	سنا☐ صنا☐ ثنا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی		تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی		
۱	جزا	پاداش، سزا، مکافات	مجازات	جزا☐ جذا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی		همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی		
۱	جلال	بزرگواری، شکوه	جلیل، مجلّل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی		همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی		
۱	جود	بخشش	جواد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی		همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی		
۱	حکیم	دانا، آگاه	حکمت	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی		تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی		
۱	رحیم	بخشاینده	رحمان، رحمت	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی		تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی		
۱	روی	امکان یافتن		-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	لب و دندان ثنایی همه توحید تو گوید		مگر از آتش دوزخ بُوَدَش روی رهایی		
۱	سُرور	شادی، جشن	-	سرور☐ صرور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی		همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی		
۱	سزا	سزاوار، شایسته	ناسزا، سزاوار	سذا☐ سزا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم		همه توحید تو گویم که به توحید سزایی		
۱	شِبه	شبیه، مانند، مثل	تشبیه، تشابه	شبح☐ شبه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی		نتوان شِبه تو گفتن که تو در وهم نیایی		
۱	عِزّ	عزیز شدن، ارجمندی	عزیز، عزّت	عزیز☐ عذیذ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی		همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی		
۱	فضل	بخشش	تفضیل	فضل☐ فظل☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم		همه توحید تو گویم که به توحید سزایی		

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱	کریم	بخشنده	کرامت، کرم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی		تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی		
۱	مَلِک	پادشاه، خداوند	ملوک	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی		نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی		
۱	نماینده	نشان‌گر	نمایان	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی		تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی		
۱	وَهم	تصوّر، گمان، پندار	اوهام، توهّم	وحم☐ وهم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی		نتوان شِبه تو گفتن که تو در وهم نیایی		
۱	یقین	اطمینان، امر واضح	متقن	یقین☐ یغین☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن					

جفت‌های املایی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱	ثنا	ستایش، سپاس	-	ثنا☐ صنا☐ سنا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی		تو نماینده‌ی فضلی تو سزاوار ثنایی		(ص ۱۰)
۲	سنا	روشنایی، روشنی، فروغ	-	صنا☐ ثنا☐ سنا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	آتش طور موسوی گر ز تو آرزو کنند		از سر طور دل نما نور و سنا که همچنین		(ملاهادی سبزوار)
۳	شبه	مانند، مثل، همسان	شبیه، مشابه، اَشباه	شِبح☐ شِبه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی		نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی		(ص ۱۰)
۴	شبح	کالبد، سیاهی جسم که از دور به نظر می‌رسد.	اشباح	شَبَه☐ شَبَح☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	اندام خالی شبحی لاغر و مخوف		تا نیمه شد عیان و در آن خیمه ایستاد		(نادر نادرپور)

@pdfkonkour
ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

@pdfkonkour

درس اول: شکر نعمت		گنج حکمت: گمان				
	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵	شفیع	شفاعت کننده، پایمرد	شافع، شفاعت	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شَفیعٌ مُطاعٌ نَبیٌّ کَریم		قَسیمٌ جَسیمٌ نَسیمٌ وَسیم			(ص۱۳)
۶	شهد	عسل؛ شهد فایق: عسل خالص		شهد ☐ شحد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عصاره‌ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده					(ص۱۲)
۷	صفوت	برگزیده	مصطفی،صفی	سفوت ☐صفوت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان وصفوت آدمیان					(ص۱۳)
۸	عاکفان	جمعِ عاکف، کسانی‌که در مدّتی معیّن در مسجد بمانند.	معتکف، اعتکاف	آکفان ☐ عاکفان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف					(ص۱۳)
۹	عزّ و جَل	گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است.	عزیز، معزز جلیل، جلالت	عَدَّ و جَل ☐ عَزَّ و جَل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	منّت خدای را عزّ و جَل، که طاعتش موجب قربت است					(ص۱۲)
۱۰	عُصاره	آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به‌دست آورند؛ افشره، شیره	عصیر	عثاره ☐ عصاره ☐ عساره ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عصاره‌ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده					(ص۱۲)
۱۱	فاحش	آشکار، واضح	فحشا	فاحش ☐ فاهش ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد					(ص۱۲)
۱۲	فایق	برگزیده، برتر	تفوق، فوق	فایق ☐ فایغ ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عصاره‌ی تاکی به قدرت او شهد فایق شد					(ص۱۲)
۱۳	فرّاش	فرش‌گستر، گسترنده‌ی فرش	فرش		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	فرّاش بادصبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد					(ص۱۲)
۱۴	قبا	جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است.	-	غبا ☐ قبا ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق دربر گرفته					(ص۱۲)
۱۵	قدوم	آمدن، قدم نهادن، فرا رسیدن	قدم، مقدم	قدوم ☐ غدوم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده					(ص۱۲)
۱۶	قسیم	صاحب جمال	-	قصیم ☐ قسیم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شَفیعٌ مُطاعٌ نَبیٌّ کَریم		قَسیمٌ جَسیمٌ نَسیمٌ وَسیم			(ص۱۳)
۱۷	کاینات	جمعِ کاینه، همه‌ی موجودات جهان	کاین، اکوان	کاعنات ☐ کاینات ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در خبر است از سرور کاینات					(ص۱۳)
۱۸	کرامت کردن	عطا کردن، بخشیدن	کریم، تکریم، کرم		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟					(ص۱۴)

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای

@pdfkonkour

					ماندگاری
۱۹	مراقبت	در اصطلاح عرفانی، کمال توجّه بنده به حقّ، نگاه داشتن دل از توجّه به غیرِ حق	مراقب	مراغبت ☐ مراقبت ☐	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یکی ازصاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده است (ص۱۴)				
۲۰	مزید	افزونی، زیادی	ازدیاد، زیاد	مذید ☐ مزید ☐	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و به شکر اندرش مزید نعمت (ص۱۲)				
۲۱	مُطاع	فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌بَرَد.	مطیع، اطاعت	مُتاع ☐ مطاع ☐ مطاء ☐	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شَفیعٌ مُطاعٌ نَبیٌّ کَریم قَسیمٌ جَسیمٌ نَسیمٌ وَسیم (ص۱۳)				
۲۲	معاملت	اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی	تعامل	-	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آن‌گه که از این معاملت باز آمد (ص۱۴)				
۲۳	معترف	اقرارکننده، اعتراف‌کننده	اعتراف	مُأترف ☐ معترف ☐	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف (ص۱۳)				
۲۴	مَفخر	مایه‌ی افتخار	فخر، افتخار	-	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات (ص۱۳)				
۲۵	مفرِّح	شادی‌بخش، فرح‌انگیز	فرح	مفرّح ☐ مفرّه ☐	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چون برمی‌آید مفرّح ذات (ص۱۲)				
۲۶	مکاشفت	کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی‌بردن به حقایق است.	کشف، اکتشاف		..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در بحر مکاشفت مستغرق شده (ص۱۴)				
۲۷	منسوب	نسبت داده شده	انتساب، نسب	منسوب ☐ منصوب ☐	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	واصفان حلیه‌ی جمالش به تحیّر منسوب (ص۱۳)				
۲۸	منّت	سپاس، شُکر، نیکویی	امتنان، ممنون	-	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	منّت خدای را، عَزّ وَ جَلّ (ص۱۲)				
۲۹	منکَر	زشت، ناپسند	انکار	-	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و وظیفه‌ی روزی به خطای مُنکر نبُرد (ص۱۲)				
۳۰	موسم	فصل، هنگام، زمان	مَواسم	موسم ☐ موثم ☐ موصم ☐	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده (ص۱۲)				
۳۱	ناموس	آبرو، شرافت	نوامیس	-	..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد (ص۱۲)				
۳۲	نبات	گیاه، رُستنی	نَبت		..... ☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد (ص۱۲)				

@pdfkonkour

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۳	نبی	پیغمبر، پیام‌آور، رسول	انبیاء، نبوت	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن						
۳۴	نسیم	خوش‌بو	نسایم، تنسیم	نسیم☐ نصیم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		قَسیمٌ جَسیمٌ نَسیمٌ وَسیم				(ص ۱۳)
۳۵	واصفان	جمعِ واصف، وصف‌کنندگان، ستایندگان	وصف، توصیف	واصف☐ واثف☐ واسف☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		واصفان حلیه‌ی جمالش به تحیّر منسوب				(ص ۱۳)
۳۶	ورق	برگ	اوراق، تورق	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق دربر گرفته				(ص ۱۲)
۳۷	وسیم	دارای نشان پیامبری	–	وثیم☐ وصیم☐ وسیم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		قَسیمٌ جَسیمٌ نَسیمٌ وَسیم				(ص ۱۳)
۳۸	وظیفه	مقرّری، وجه معاش	وظایف، موظف	وضیفه☐ وظیفه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		وظیفه‌ی روزی به خطای مُنکر نبُرد				(ص ۱۲)

واژه‌های داخل متن

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۹	شکور	بسیار سپاسگزار، شکرکننده	تشکّر، شکر، شاکر	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		إعمَلُوا آلَ داوُدَ شُکراً وَ قلیلٌ مِن عِبادِیَ الشَّکُور				(ص ۱۲)
۴۰	ناموس	آبرو، نام و ننگ	نوامیس	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.				(ص ۱۲)
۴۱	خبر	روایت	اخبار	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		در خبر است.				(ص ۱۳)
۴۲	دُجی	تاریکی‌ها، شب تاریک	دجیه	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		بَلَغَ العُلی بِکَمالِه، کَشَفَ الدُّجی بِجَمالِه		حَسُنَت جمیعُ خِصالِه،صَلّوا عَلَیه وَ آلِه		(ص ۱۳)
۴۳	آواز	صدا	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		عاشقان کشتگان معشوق‌اند		برنیاید ز کشتگان آواز		(ص ۱۳)
۴۴	کِلک	قلم، خامه	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد		وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای		(ص ۱۷)

جفت‌های املایی

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۷	خوان	سفره، سفره‌ی فراخ و گشاده	–	خان☐ خوان☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده				(ص ۱۲)

@pdfkonkour

۴۸	**خان**	رئیس، سرور	-	خوان ☐ خان ☐	.....
نمونه در متن	**وای بر تلخی فرجام رعیت‌پسری که بخواهد دلی از دختر یک خان ببرد** (حامد عسکری)				
۴۹	**صبا**	بادی که از سمت شرق می‌وزد و مژده‌رسان بهار است.	-	ثبا ☐ صبا ☐ سبا ☐	.....
نمونه در متن	**فرّاش بادصبا را گفته** (ص۱۲)				
۵۰	**سَبا**	نام شهری که بلقیس پادشاه آن بود.	-	ثبا ☐ سبا ☐ صبا ☐	.....
نمونه در متن	**مرغ جم باز حدیثی ز سبا می‌گوید بشنو آخر که ز بلقیس چه‌ها می‌گوید** (خواجوی کرمانی)				
۵۱	**منسوب**	نسبت داده شده	نسبت، نسبی	منصوب ☐ منسوب ☐	.....
نمونه در متن	**واصفان حلیه‌ی جمالش به تحیّر منسوب** (ص۱۳)				
۵۲	**منصوب**	برقرار شده، به شغل و مقامی گماشته شده	نصب، منصب	منسوب ☐ منصوب ☐	.....
نمونه در متن	**که ای به خلقِ من از من خلیفه‌ی منصوب به گوش، کآمد نصب خلیفه را هنگام** (عمان سامانی)				
۵۳	**ثمر**	میوه، بار، حاصل، نتیجه	ثمره، مُثمِر	ثمر ☐ سمر ☐ صمر ☐	.....
نمونه در متن	**ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.** (ص۱۸)				
۵۴	**سَمَر**	افسانه (سَمَر شدن: نامدار شدن، اسطوره شدن)	آسمار	صمر ☐ ثمر ☐ سمر ☐	.....
نمونه در متن	**تا گشت پریشان سر زلفت چو دل من دیوانگی‌ام در همه‌ی شهر سمر شد** (امیرخسرو دهلو)				
۵۷	**قربت**	نزدیکی، خویشی	قرابت، قرب، تقرب، مقاربت	غربت ☐ قربت ☐	.....
نمونه در متن	**طاعتش موجب قربت است.** (ص۱۲)				
۵۸	**غربت**	دور شدن، دور شدن از شهر و دیار	غریب	قربت ☐ غربت ☐	.....
نمونه در متن	**اینکه مردم نشناسند تو را، غربت نیست غربت آن است که یاران ببرندت از یاد** (فاضل نظری)				
۵۹	**حیات**	زنده بودن، زندگانی	حی، احیا	حیاط ☐ حیات ☐	.....
نمونه در متن	**مُمدّ حیات است.** (ص۱۲)				
۶۰	**حیاط**	صحن خانه، زمین برابر ساختمان که دور آن دیوار باشد.	محوطه، حیطه، محیط	حیاط ☐ حیات ☐	.....
نمونه در متن	**باد نقش سایه‌ها را در حیاط خانه هر دم زیر و رو می‌کرد** (فروغ فرخزاد)				
۶۱	**بهر**	بهره، نصیب، برای، به سبب	بهره	بحر ☐ بهر ☐	.....
نمونه در متن	**همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری** (ص۱۲)				
۶۲	**بحر**	دریا، وزن شعر	ابحار	بهر ☐ بحر ☐	.....
نمونه در متن	**یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی** (ص۲۳)				
۶۳	**مُطاع**	اطاعت شده، درخور اطاعت	مطیع، اطاعت	مُتاع ☐ مُطاع ☐	.....
نمونه در متن	**شَفیعٌ مُطاعٌ نَبیٌّ کَریم قَسیمٌ جَسیمٌ نَسیمٌ وَسیم** (ص۱۳)				
۶۴	**مَتاع**	اسباب، کالا	امتعه، تمتّع	مَطاع ☐ مَتاع ☐	.....
نمونه در متن	**سعدیا در کوی عشق از پارسایی دم مزن هر متاعی را خریداریست در بازار خویش** (سعدی)				

۶۵	بَط	مرغابی	-	بَت ☐ بَط ☐	.....	
نمونه در متن	گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید.					(ص۸
۶۶	بُت	تندیس از جنس چوب و سنگ و	-		.....	
نمونه در متن	تو آن بتی که پرستیدنت خطایی نیست		و گر خطاست مرا از خطا ابایی نیست			(فاضل نظر

@pdfkonkour

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس دوم: مست و هشیار — شعرخوانی: در مکتب حقایق

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۶۷	**ادیب**	آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، معلّم و مربّی	ادب، آداب		.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	در مکتب حقایق پیش ادیب عشق		هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی		(ص ۲۲)
۶۸	**افسار**	تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و... می‌بندند.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت		مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است افسار»		(ص ۱۹)
۶۹	**اکراه**	ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری	کراهت، مکروه		.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست		در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست		(ص ۲۰)
۷۰	**تزویر**	نیرنگ، دورویی، ریاکاری	مزوِّر	تزویر ☐ تذویر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی		من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم		(ص ۲۱)
۷۱	**حد**	کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم	-	حد ☐ هد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را»		گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست»		(ص ۱۹)
۷۲	**خمّار**	مِی‌فروش	خَمر، مخمور	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»		گفت: «والی از کجا در خانه‌ی خمّار نیست»		(ص ۱۹)
۷۳	**داروغه**	پاسبان و نگهبان، شب‌گرد	-	داروغه ☐ داروقه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	گفت: «تا داروغه را گوییم، در مسجد بخواب»		گفت: «مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»		(ص ۱۹)
۷۴	**درهم**	دَرَم، مسکوک نقره، که در گذشته به‌عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است.	دراهیم	درحم ☐ درهم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»		گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»		(ص ۱۹)
۷۵	**دینار**	واحد پول، سکّه‌ی طلا که در گذشته رواج داشته است.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»		گفت: «کار شرع کار درهم و دینار نیست»		(ص ۱۹)
۷۶	**ذوالجلال**	خداوند، پروردگار، خداوندصاحب جلال و عظمت	جلیل، جلالت	زوالجلال ☐ ذوالجلال ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	از پای تا سرت همه نور خدا شود		در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی		(ص ۲۳)
۷۷	**زاهد**	پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلّقات آن ندارد.	زهد	زاهد ☐ ذاهد ☐ زاحد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست		در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست		(ص ۲۰)
۷۸	**صنعت**	پیشه، کار، حرفه	صنایع	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	بگفت آن‌جا بهصنعت در چه کوشند؟		بگفت انده خرند و جان فروشند		(ص ۲۰)
۷۹	**صواب**	درست، پسندیده، مصلحت	تصویب، مصوب	ثواب ☐ صواب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	چو عاجز گشت خسرو در جوابش		نیامد بیش پرسیدن صوابش		(ص ۲۱)

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۸۰	غَرامت	تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن	غرامات	غرامت☐ قرامت☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		گفت: «از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کنم، گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست» (ص۱۹)				
۸۱	گرو	دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهّدی به او داده می‌شود.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو؟» (ص۲۱)				
۸۲	محتسب	مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین بود.	-	محتسب☐ مهتسب☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است افسـ (ص۱۹)				
۸۳	مدام	همیشه، پیوسته، مِی	مداوم، تداوم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		با محتسبم عیب مگویید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است (ص۲۱)				
۸۴	مُلک	سرزمین، کشور، مملکت؛ دارِ ملک: دارالملک، پایتخت	مالک	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		نخستین بار گفتش کز کجایی؟ بگفت از دار مُلک آشنایی (ص۲۰)				
۸۵	واعظ	پند دهنده، سخنورِ اندرزگو	وعظ، موعظه	واعظ☐ واعض☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم (ص۲۱)				
۸۶	والی	حاکم، فرمانروا	ولایت	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم؛ گفت: «والی از کجا در خانه‌ی خمّار نیست؟» (ص۱۹)				
۸۷	وجه	ذات، وجود	وجوه	وجح☐ وجه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		وجه خدا اگر شودت منظر نظر زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی (ص۲۳)				

واژه‌های داخل متن

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۵	مَنظَر	جای نگریستن، چشم‌انداز	منظره، نظاره، منتظر	منظر☐ منضر☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		وجه خدا اگر شودت منظر نظر زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی (ص۲۳)				
۴۶	آفتاب	در گذشته برابر با خورشید بوده ا	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی (ص۲۲)				
۸۸	خانه‌ی خمّار	میکده	خمر	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		گفت، نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم گفت: والی از کجا در خانه‌ی خمّار نیست؟ (ص۱۹)				
۸۹	مردم	آدمی، انسان (این‌جا اسم مفرد است نه جمع)	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		گفت تا داروغه را گوییم در مسجد بخواب گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست (ص۱۹)				

جفت‌های املایی

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

۹۰	**صواب**	راست و درست، سزاوار	تصویب، مصوب	ثواب ☐ صواب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**چو عاجز گشت خسرو در جوابش**		**نیامد بیش پرسیدن صوابش**		(ص ۲۱)
۹۱	**ثواب**	مزد، پاداش، احسان	-	صواب ☐ ثواب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**ثواب روزه و حج قبول آن کس برد**		**که خاک میکده‌ی عشق را زیارت کرد**		(حافظ)
۹۲	**نظر**	نگاه کردن، نگریستن	نظاره، نظارت، منظر، منظره	نَذَر ☐ نَظَر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**وجه خدا اگر شودت منظر نظر**		**زین پس شکی نماند کهصاحب‌نظر شوی**		(ص ۳۳)
۹۳	**نذر**	شرط و پیمان، آنچه شخص بر خود واجب می‌گرداند که در راه خدا بدهد یا به‌جا آورد.	نذور	نَذر ☐ نَزر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**زین سفر گر به سلامت به وطن بازرسم**		**نذر کردم که هم از راه به میخانه روم**		(حافظ)
۹۴	**قاضی**	داور و حکم‌کننده	قضاوت، قضا، قضائیه	غازی ☐ قاضی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**گفت: می‌باید تو را تا خانه‌ی قاضی برم**		**گفت: روصبح آی، قاضی نیمشب بیدار نیست**		(ص ۱۹)
۹۵	**غازی**	جنگ‌جو	غزو، غزوه، غزا	غازی ☐ غاذی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**من آن علم و فراست با پر کاهی نمی‌گیرم**		**که از تیغ و سپر بیگانه سازد مرد غازی را**		(اقبال لاهوری)

@pdfkonkour

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس سوم: آزادی — گنج حکمت: خاکریز

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۹۶	اجانب	جمعِ اجنبی، بیگانگان	اجنبی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خانه‌ای کاو شود به دست اجانب آباد — ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحَزَن اس (ص ۲۶)					
۹۷	احداث شدن	ساخته شده	حادث	احداس شدن ☐ احداث شدن ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به‌ویژه که لازم بود در فاصله‌ی زمانی شب تا سپیده‌دم اجرا و احداث می‌شد (ص ۳۱)					
۹۸	استقرار	برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی، مستقر شدن	قرار، مستقر	استغرار ☐ استقرار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دشمن با استقرار سلاح‌های زیادی قله را در دست داشت (ص ۳۰)					
۹۹	بیت‌الاحزان	خانه‌ی غم‌ها، جای بسیار غم‌انگیز	بیت الحَزَن	بیت‌الاهزان ☐ بیت‌الاحزان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در بیت‌الاحزان درآمد و نالید؛ چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید (ص ۲۸)					
۱۰۰	بیت‌الحَزَن	خانه‌ی غم، ماتمکده	بیت‌الاحزان	بیت‌الهزن ☐ بیت‌الحزن ☐ بیت‌الحزن ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد — ز اشک ویران کُنش آن خانه که بیت‌الحَزَن اس (ص ۲۶)					
۱۰۱	ثابت‌قدم	ثابت‌رأی و ثابت عزم، دارای اراده‌ی قوی	ثبات، قدوم	صابت قدم ☐ ثابت قدم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی — چون فرّخی، موافق ثابت‌قدم نداشت (ص ۲۷)					
۱۰۲	سلسله‌جنبان	محرّک، آن‌که دیگران را به کاری برمی‌انگیزد.	تسلسل، جنبده		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همّت اگر سلسله جنبان شود — مور تواند که سلیمان شود (ص ۲۸)					
۱۰۳	طَرَف	کناره، کنار	اطراف		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد — خبر از من به رفیقی که به طَرَف چمن است (ص ۲۶)					
۱۰۴	مَسلَک	روش، طریق	سلک، سلوک	مسلک ☐ مثلک ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ناله‌ی مرغ اسیر این همه بهر وطن است — مسلک مرغ گرفتار قفس، هم‌چو من است (ص ۲۶)					
۱۰۵	موافق	هم‌رأی و همراه	توافق	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی — چون فرّخی، موافق ثابت‌قدم نداشت (ص ۲۷)					

واژه‌های داخل متن

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۰۶	چمن	در گذشته مجاز از باغ و بوستان	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد — خبر از من به رفیقی که به طَرَف چمن است (ص ۲۶)					
۱۰۷	فراغت	آسایش، آسودگی از رنج و نگرانی، آسودگی از کار	فراغ، فارغ	فراغت ☐ فراقت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است — ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (ص ۲۷)					

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۰۸	سلسله	زنجیر	مسلسل		.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همّت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود				(ص۳۸)
۱۰۹	همّت	اراده‌ی والا، کوشش و تلاش، بلندنظری و جوانمردی، دعایی که یکی از بندگان خاص درگاه خدا در حق دیگر بندگان کند.	اهتمام	حمّت ☐ همّت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طَرف چمن است				(ص۳۶)
۱۱۰	زَنَخدان	زَنَخ: چانه	-	ذنخدان ☐ زنخدان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	بدین شکسته‌ی بیت‌الحزن که می‌آرد نشان یوسف دل از چَهِ زنخدانش				(ص۲۸)

جفت‌های املایی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۱۱	سلاح	ابزار جنگ، آلت جنگ	اسلحه، مسلح، تسلیحات	صِلاح ☐ سِلاح ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	دشمن با استقرار سلاح‌های زیادی قلّه را در دست داشت.				(ص۳۰)
۱۱۲	صلاح	مصلحت، خیر، نیکی	مصلحت، مصلح، اصلاح	سَلاح ☐ صلاح ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	عجب گر بشنوی بوی صلاح از محشتم دیگر که بست و محکم است این بار دل در جعد گیسو (محتشم کاشانی)				
۱۱۵	فراغت	آسایش، راحتی، آسودگی	مفارغت، فارغ، فراغ	فراغت ☐ فراقت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت				(ص۲۷)
۱۱۶	فراقت	جدایی، دوری	مفارقت، فارق، فراق	فراغت ☐ فراقت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	از دست تو اگرم دست نگیری زودا که فراق تو برد دست به جانم				(انوری)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی)

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۱۷	-	-	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	نمونه در متن و نظم ندارد.					(ص ۳۲ و ۳۳)

درس پنجم: دماوندیه — روان‌خوانی: جاسوسی که الاغ بود

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۱۸	آوند	آونگ، آویزان، آویخته	-	عاوند ☐ آوند ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند					(ص ۳۴)
۱۱۹	ارغند	خشمگین و قهرآلود	ارغنده	ارقند ☐ ارغند ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بگرای چو اژدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند					(ص ۳۵)
۱۲۰	بگسل	پاره کن، جدا کن	گسلاندن		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بفکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز هم این نژاد و پیوند					(ص ۳۵)
۱۲۱	پس‌افکند	پس‌افکنده، میراث	پس‌افکنده	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تو مشت درشت روزگاری از گردشِ قرن‌ها پس‌افکند					(ص ۳۴)
۱۲۲	زُل‌زدن	با چشمی ثابت و بی‌حرکت به چیزی نگاه کردن	-	ذل زدن ☐ زل زدن ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	احمدرضا زُل می‌زند به چشمان خر					(ص ۳۹)
۱۲۳	ستوران	جمعِ ستور، حیوانات چارپا خاصّه اسب، استر و خر	استر	سطوران ☐ ستوران ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تا وارهی از دم ستوران وین مردم نحس دیو مانند					(ص ۳۴)
۱۲۴	سریر	تخت پادشاهی، اورنگ	سُرُر	سریر ☐ صریر ☐ ثریر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سریر مُلک عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد					(ص ۳۶)
۱۲۵	سعد	خوشبختی، متضادّ نحس، اختر سعد: سیّاره‌ی مشتری است که به «سعد اکبر» مشهور است.	سعید، مسعود	سأد ☐ سعد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند					(ص ۳۴)
۱۲۶	سفله	فرومایه، بدسرشت	-	سفله ☐ صفله ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	زین بی‌خردان سفله بستان دادِ دلِ مردمِ خردمند					(ص ۳۵)
۱۲۷	سلّانه‌سلّانه	آرام‌آرام، به آهستگی	-	صلانه‌صلانه ☐ سلانه‌سلانه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خر سلّانه‌سلّانه راه می‌آید.					(ص ۳۹)
۱۲۸	شرزه	خشمگین، غضبناک	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بگرای چو اژدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند					(ص ۳۵)

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۲۹	ضماد	مرهم، دارو که به جراحت نهند؛ ضماد کردن: بستن چیزی بر زخم، مرهم نهادن	-	زماد ☐ ذماد ☐ ضماد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تا درد و ورم فرو نشیند		کافور بر آن ضماد کردند			(ص ۳۵)
۱۳۰	عامل تخریب	شخصی نظامی که کارش نابود کردن هدف‌های نظامی به‌وسیله‌ی انفجار و کار گذاشتن تله‌های انفجاری است.	عوامل مخرب		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خودش از عاملان بزرگ و قدیمی تخریب است.					(ص ۳۸)
۱۳۱	عطا	بخشش، دهش	عطیه، عطایا	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سریر مُلک عطا داد کردگار تو را		به جای خویشتن دهد هرچه کردگار دهد			(ص ۳۶)
۱۳۲	فسرده	یخ‌زده، منجمد	فسردن		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تو قلب فسرده ی زمینی		از درد، ورم نموده یک چند			(ص ۳۴)
۱۳۴	کلوخ	پاره‌ی گِل خشک‌شده به‌صورت سنگ، پاره‌ی گِل خشک‌شده به درشتی مُشت یا بزرگ‌تر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پاره‌آجر و سنگ و کلوخ به جای مین کار می‌گذارم.					(ص ۳۸)
۱۳۵	کُلَه‌خود	کلاه‌خود، کلاه فلزی که در جنگ بر سر می‌گذارند.	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از سیم به سر یکی کُله‌خود		ز آهن به میان یکی کمربند			(ص ۳۴)
۱۳۶	گرزه	ویژگی نوعی مار سمّی و خطرناک	-	گرزه ☐ گرذه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بگرای چو اژدهای گرزه		بخروش چو شرزه شیر ارغند			(ص ۳۵)
۱۳۷	معجر	سرپوش، روسری	-	مأجر ☐ معجر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	برکش ز سر این سپید معجر		بنشین به یکی کبود اورند			(ص ۳۵)
۱۳۸	معطّل	بیکار، بلاتکلیف؛ معطّل کردن: تأخیر کردن، درنگ کردن	تعطیل	معطّل ☐ معتّل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بروید و معطّل نکنید.					(ص ۳۹)
۱۳۹	نحس	شوم، بد یُمن، بد اَختر	منحوس	نحث ☐ نحس ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تا وارهی از دم ستوران		وین مردم نحس دیومانند			(ص ۳۴)

واژه‌های داخل متن

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۴۰	سیم	نقره	سیمین، سیمینه (ظرف نقره‌ای)، سیماب (جیوه)	سیم ☐ صیم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از سیم به سر یکی کُله‌خود		ز آهن به میان یکی کمربند			(ص ۳۴)
۱۴۱	میان	کمر، میانه، وسط	میانه	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐

نمونه در متن	از سیم به سر یکی کُله‌خود ز آهن به میان یکی کمربند (ص ۳۴)				
	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۴۲	گردون	گردان، گردنده، چرخ، معمولاً استعاره از آسمان است.	گرد، گردان	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند (ص ۳۴)				
۱۴۳	هتّاکی	پرده‌دری، بی‌شرمی	هتّاک، هتک	حتّاکی ☐ هتّاکی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در این سال به تحریک بیگانگان، هرج‌ومرج قلمی و اجتماعی و هتّاکی‌ها در مطبوعات و آزار وطن‌خواهان و سستی کار دولت مرکزی بروز کرده بود. (ص ۳۷)				
۱۴۴	خُم	خمره، ظرف سفالین بزرگی که در آن شراب می‌ریختند.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دلا خموشی چرا؟ چو خُم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟ (ص ۳۷)				

جفت‌های املایی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۱۳	اساس	پایه و بنیان	مؤسس، تأسیس	اساس ☐ اثاث ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بفکن ز پی این اساس تزویر بگسل ز هم این نژاد و پیوند (ص ۳۵)				
۱۱۴	اثاث	وسایل خانه	اثاث‌کشی	اثاث ☐ اساس ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مکن از کس اثاث خانه دریغ تشنه بینی، بر او بباران میغ (اوحدی مراغه‌ای)				
۱۴۵	خویش	از افراد خانواده و خاندان	-	خیش ☐ خویش ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سریر ملک عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد (ص ۳۶)				
۱۴۶	خیش	گاوآهن	-	خیش ☐ خویش ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کسی خیشی نبُرد از ده به مزرع سگ گلّه به عوعو درنیامد (احمد شاملو)				
۱۴۷	سریر	تخت پادشاهی، اورنگ	-	صریر ☐ سریر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سریر ملک عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد (ص ۳۶)				
۱۴۸	صریر	فریاد کردن،صدایی که از قلم نی هنگام نوشتن برمی‌خیزد.	-	صریر ☐ سریر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شد جهان پرشورصائب ازصریر کلک من بلبل از من یاد دارد ناله‌ی جانکاه را (صائب تبریزی)				
۱۴۹	موضع	محل، جای	وضع، وضعیت	موظع ☐ موضع ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به داخل مواضع خودمان که می‌رسیم. (ص ۴۲)				
۱۵۰	مُوَزِّع	توزیع‌کننده، پخش‌کننده	توزیع	موزّع ☐ موذّع ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	موزّع کن به خود اوقات و ساعت به روز و شب، به انواع عبادت (عطار)				
۱۵۱	ستور	چهارپا، حیوان بارکش، استر و خر	استر	سطور ☐ ستور ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تا وارهی از دم ستوران وین مردم نحس دیومانند (ص ۳۴)				
۱۵۲	سطور	جمع سطر، خط‌ها، ردیف‌ها	سطر، مسطور (نوشته شده)	سطور ☐ ستور ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به راستی علیا! این بلند چامه چه بود که از خلال سطورش ستاره می‌تابید (ملک الشعرا، بهـ				

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۵۳	زُل	نگاه خیره و کنجکاوانه یا گستاخانه	-	زُل ☐ ضُل ☐ ذُل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		احمدرضا زُل می‌زند.				(ص ۳۹)
۱۵۳	زَل	لغزش و خطا	-	زَل ☐ ضَل ☐ ذَل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن						(ص ۳۹)
۱۵۴	ذُل	خواری، ذلت، فروتنی	ذلیل	ظُل ☐ ذُل ☐ زُل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		از آن جهت، ملکا، زرد گشت گونه‌ی زر	که با سخای تو از ذلّ خویش دارد عار			(ارزقی هروی)
۱۵۵	ظِل	سایه، تیرگی شب	ظلال	ذِل ☐ ضِل ☐ ظِل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		از قناعت بود ما را دستگاه همتی	چون هما در ظلّ بال خود کرم داریم ما			(بیدل دهلوی)
۱۵۶	ضَل	گمراهی	ضالین، ضلالت	ذَل ☐ زَل ☐ ظَل ☐ ضَل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		سعدی از این پس که راه پیش تو دانست	گر ره دیگر رود ضلال مبین است			(سعدی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس ششم: نی‌نامه — گنج حکمت: آفتابِ جمال حق

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۵۷	اشتیاق	میل قلب است به دیدار محبوب	شوق، مشتاق	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق		تا بگویم شرح درد اشتیاق			(ص ۴۶)
۱۵۸	ایدونک	ایدون که؛ ایدون: این‌چنین	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	گر ایدونک دستور باشد کنون		بگوید سخن پیش تو رهنمون			(ص ۴۸)
۱۵۹	بدحالان	کسانی که سیر و سلوک آنها به‌سوی حق، کُند است.	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	من به هر جمعیتی نالان شدم		جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم			(ص ۴۶)
۱۶۰	بی‌گاه شدن	فرا رسیدن هنگام غروب یا شب	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در غم ما روزها بی‌گاه شد		روزها با سوزها همراه شد			(ص ۴۷)
۱۶۱	پرده	در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتّب، حجاب	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	نی، حریف هرکه از یاری برید		پرده‌هایش پرده‌های ما درید			(ص ۴۷)
۱۶۲	تاب	فروغ، پرتو	–		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چون من در آن حضرت رسم و تابِ آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید.					(ص ۵۱)
۱۶۳	تریاق	پادزهر، ضدّ زهر	–	تریاغ ☐ تریاق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همچو نی زهری و تریاقی که دید؟		همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟			(ص ۴۷)
۱۶۴	حریف	دوست، همدم، همراه	حرفه	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	نی، حریف هرکه از یاری برید		پرده‌هایش پرده‌های ما درید			(ص ۴۷)
۱۶۵	حسب	برابر، اندازه، برطبق	حساب، احتساب	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز		هرکسی بر حسب فکر گمانی دارد			(ص ۵۰)
۱۶۶	خوش‌حالان	رهروان راه حق	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	من به هر جمعیتی نالان شدم		جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم			(ص ۴۶)
۱۶۷	دستور	اجازه، وزیر	دساتیر		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تن ز جان و جان ز تن مستور نیست		لیک کس را دید جان دستور نیست			(ص ۴۷)
۱۶۸	دمساز	مونس، همراز، دردآشنا	–	–	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همچو نی زهری و تریاقی که دید؟		همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟			(ص ۴۷)
۱۶۹	سور	جشن	–	ثور ☐ سور ☐ صور ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چه نیکو گفت با جمشید دستور		که با نادان نه شیون باد و نه سور			(ص ۴۸)
۱۷۰	شرحه‌شرحه	پاره‌پاره؛ شرحه: پاره‌ی گوشتی که از درازا بریده باشند.	تشریح	شرحه‌شرحه ☐ شرحه‌شرحه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق		تا بگویم شرح درد اشتیاق			(ص ۴۶)

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۷۱	شیون	ناله و ماتم، زاری و فریاد	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور				(ص۴۸)
۱۷۲	ظن	گمان، پندار	مظنون	ذن☐ ظن☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من				(ص۴۶)
۱۷۳	مستغرق	مجذوب، شیفته؛ مستغرق گشتن: حیران و شیفته شدن	غرق، غریق، غرقه	مستغرق☐ مستغرغ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		مستغرق خود گردانید.				(ص۵۱)
۱۷۴	مستمع	شنونده، گوش‌دارنده	استماع، سماع	مسطمع☐ مستمع☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		مستمع، صاحب سخن را بر سر کار آورد غنچه‌ی خاموش، بلبل را به گفتار آورد				(ص۴۸)
۱۷۵	مستور	پوشیده، پنهان	مستتر، استتار	مسطور☐ مستور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست				(ص۴۷)
۱۷۶	نفیر	فریاد و زاری به صدای بلند	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		کز نیستان تا مرا ببریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند				(ص۴۶)

واژه‌های داخل متن

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۷۷	عرض	نشان دادن، آشکار کردن، بیان مطلبی با احترام و ادب	معرض، تعریض	ارض☐ عرض☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		نزد حق یاد کند و عرضه دهد.				(ص۵۱)
۱۷۸	ارض	زمین	اراضی	عرض☐ ارض☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		ای جهانبخشی که روز و شب چو نور آفتاب فیض احسان تو فایض بر سماوات است و ارض				(سلمان ساوجی)
۱۷۹	سور	جشن، ضیافت، عروسی	-	ثور☐ صور☐ سور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چه نیکو گفت جمشید دستور که با نادان نه شیون باد نه سور				(ص۴۸)
۱۸۰	صور	بوق، شاخی که در آن بدمند و از آن صدایی خارج شود.	-	ثور☐ صور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		غریو و هلهله ز انبوه مرد و زن برخاست تو گفتی آنکه دمیدندصور اسرافیل				(ناصر خسرو)
۱۸۱	مستور	پوشیده، پنهان	ستر، استتار	مسطور☐ مستور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست				(ص۴۷)
۱۸۲	مسطور	نوشته شده، به سطر درآمده	سطر، سطور	مستور☐ مسطور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن						

درس هفتم: در حقیقت عشق | شعرخوانی: صبح ستاره‌باران

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۸۳	بزم	محفل، ضیافت	-	بذم ☐ بزم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	صبر بر داغِ دل سوخته باید چون شمع لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست (ص ۵۶)					
۱۸۴	بی‌خودی	بی‌هوشی، حالت از خودرَستگی و به معشوق پیوستن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عاشقی بی‌خودی و بی‌رایی باشد. (ص ۵۳)					
۱۸۵	جسمانی	منسوب به جسم، مقابل روحانی	اجسام، جسم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی (ص ۵۲)					
۱۸۶	جمال	زیبایی، زیبایی ازلی خداوند	جمیل، تجمّل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی جمال است. (ص ۵۲)					
۱۸۷	حُسن	نیکویی، زیبایی	تحسین، محسن	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی جمال است. (ص ۵۲)					
۱۸۸	روحانی	منسوب به روح، معنوی، ملکوتی، آنچه از مقوله‌ی روح و جان باشد.	روح، ارواح	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی (ص ۵۲)					
۱۸۹	سامان	درخور، میسّر، امکان	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در عشق کسی قدم نهد کِش جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست (ص ۵۳)					
۱۹۰	سودا	خیال، دیوانگی	-	صودا ☐ سودا ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد. (ص ۵۳)					
۱۹۱	شیدایی	دیوانگی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بیم آن است کز غم عشقت سر برآرد دلم به شیدایی (ص ۵۴)					
۱۹۲	فرض	لازم، ضروری	مفروض، فرضیه	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد. ای عزیز به خدا رسیدن فرض است. (ص ۵۳)					
۱۹۳	کمال	کامل بودن، کامل‌ترین و بهترین صورت و حالت هرچیز، سرآمد بود	کامل، تکمیل، مکمّل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند. (ص ۵۲)					
۱۹۴	محب	دوستدار، یار، عاشق	حبیب، محبوب	محب ☐ مهب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تو عاشق و محبّ مایی. (ص ۵۳)					
۱۹۵	مَمات	مرگ، مُردن	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ممات بی عشق می‌یاب (ص ۵۳)					
۱۹۶	نغمه	نوا، ترانه، سرود	نِغَم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	وین نغمه‌ی محبّت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران (ص ۵۷)					

واژه‌های داخل متن

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۹۷ مأوا	جایگاه، جایِ بودن	-	معوا☐ مأوا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به همه جای مأوا نکند. (ص ۵۲)				
۱۹۸ غایت	پایان و نهایت	غایی (نهایی)	قایت☐ غایت☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	محبّت چون به غایت رسد. (ص ۵۲)				
۱۹۹ مسلّم	ثابت و قطعی	تسلیم	مسلّم☐ مصلّم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود. (ص ۵۳)				
۲۰۰ به نزدیکِ	از نظرِ	نزد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و لابد هرچه به واسطه‌ی آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان. (ص ۵۳)				
۲۰۱ لابد	به ناچار، ناگزیر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	لابد هرچه به واسطه‌ی آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان. (ص ۵۳)				
۲۰۲ کین	انتقام، بیزاری، بغض و دشمنی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هرکه عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد. (ص ۵۳)				
۲۰۳ تمهید	آماده کردن، زمینه‌سازی، گستردن مقدمات	مهد	تمهید☐ تمحید☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تمهیدات، عین القضات همدانی. (ص ۵۳)				

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۲:۱۸ ٪۴۰ 4G 2 ۲۳
farsi3-p30konkor.com.pdf - ذخیره شد

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۷۱	شیون	ناله و ماتم، زاری و فریاد	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور (ص ۴۸)				
۱۷۲	ظن	گمان، پندار	مظنون	ذن☐ ظن☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من (ص ۴۶)				
۱۷۳	مستغرق	مجذوب، شیفته؛ مستغرق گشتن: حیران و شیفته شدن	غرق، غریق، غرقه	مستغرق☐ مستغرغ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		مستغرق خود گردانید. (ص ۵۱)				
۱۷۴	مستمع	شنونده، گوش‌دارنده	استماع، سماع	مسطمع☐ مستمع☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		مستمع، صاحب سخن را بر سر کار آورد غنچه‌ی خاموش، بلبل را به گفتار آورد (ص ۴۸)				
۱۷۵	مستور	پوشیده، پنهان	مستتر، استتار	مسطور☐ مستور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست (ص ۴۷)				
۱۷۶	نفیر	فریاد و زاری به صدای بلند	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		کز نیستان تا مرا ببریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند (ص ۴۶)				

واژه‌های داخل متن

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۷۷	عرض	نشان دادن، آشکار کردن، بیان مطلبی با احترام و ادب	معرض، تعریض	ارض☐ عرض☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		نزد حق یاد کند و عرضه دهد. (ص ۵۱)				
۱۷۸	ارض	زمین	اراضی	عرض☐ ارض☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		ای جهانبخشی که روز و شب چو نور آفتاب فیض احسان تو فایض بر سماوات است و ارض (سلمان ساوجی)				
۱۷۹	سور	جشن، ضیافت، عروسی	-	ثور☐ صور☐ سور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چه نیکو گفت جمشید دستور که با نادان نه شیون باد نه سور (ص ۴۸)				
۱۸۰	صور	بوق، شاخی که در آن بدمند و از آن صدایی خارج شود.	-	ثور☐ صور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		غریو و هلهله ز انبوه مرد و زن برخاست تو گفتی آنکه دمیدندصور اسرافیل (ناصر خسرو)				
۱۸۱	مستور	پوشیده، پنهان	ستر، استتار	مسطور☐ مستور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست (ص ۴۷)				
۱۸۲	مسطور	نوشته شده، به سطر درآمده	سطر، سطور	مستور☐ مسطور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن						

درس هفتم: در حقیقت عشق | شعرخوانی: صبحِ ستاره‌باران

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۸۳	بزم	محفل، ضیافت	-	بذم ☐ بزم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	صبر بر داغِ دل سوخته باید چون شمع لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست (ص ۵۶)				
۱۸۴	بی‌خودی	بی‌هوشی، حالت از خودرَستگی و به معشوق پیوستن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	عاشقی بی‌خودی و بی‌رایی باشد. (ص ۵۳)				
۱۸۵	جسمانی	منسوب به جسم، مقابل روحانی	اجسام، جسم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	و هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی (ص ۵۲)				
۱۸۶	جمال	زیبایی، زیبایی ازلی خداوند	جمیل، تجمّل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی جمال است. (ص ۵۲)				
۱۸۷	حُسن	نیکویی، زیبایی	تحسین، محسن	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی جمال است. (ص ۵۲)				
۱۸۸	روحانی	منسوب به روح، معنوی، ملکوتی، آنچه از مقوله‌ی روح و جان باشد.	روح، ارواح	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	و هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی (ص ۵۲)				
۱۸۹	سامان	درخور، میسّر، امکان	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	در عشق کسی قدم نهد کِش جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست (ص ۵۳)				
۱۹۰	سودا	خیال، دیوانگی	-	صودا ☐ سودا ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد. (ص ۵۳)				
۱۹۱	شیدایی	دیوانگی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	بیم آن است کز غم عشقت سر برآرد دلم به شیدایی (ص ۵۴)				
۱۹۲	فرض	لازم، ضروری	مفروض، فرضیه	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد. ای عزیز به خدا رسیدن فرض است. (ص ۵۳)				
۱۹۳	کمال	کامل بودن، کامل‌ترین و بهترین صورت و حالت هرچیز، سرآمد بود	کامل، تکمیل، مکمّل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند. (ص ۵۲)				
۱۹۴	محب	دوستدار، یار، عاشق	حبیب، محبوب	محب ☐ مهب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تو عاشق و محبّ مایی. (ص ۵۳)				
۱۹۵	مَمات	مرگ، مُردن	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	ممات بی عشق می‌یاب (ص ۵۳)				
۱۹۶	نغمه	نوا، ترانه، سرود	نِغَم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	وین نغمه‌ی محبّت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران (ص ۵۷)				

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۱۹۷	مأوا	جایگاه، جایِ بودن	-	معوا ☐ مأوا ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به همه جای مأوا نکند. (ص ۵۲)					
۱۹۸	غایت	پایان و نهایت	غایی (نهایی)	قایت ☐ غایت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	محبّت چون به غایت رسد. (ص ۵۲)					
۱۹۹	مسلّم	ثابت و قطعی	تسلیم	مسلّم ☐ مصلّم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود. (ص ۵۳)					
۲۰۰	به نزدیکِ	از نظرِ	نزد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و لابد هرچه به واسطه‌ی آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان. (ص ۵۳)					
۲۰۱	لابد	به ناچار، ناگزیر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	لابد هرچه به واسطه‌ی آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان. (ص ۵۳)					
۲۰۲	کین	انتقام، بیزاری، بغض و دشمنی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هر که عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد. (ص ۵۳)					
۲۰۳	تمهید	آماده کردن، زمینه‌سازی، گستردن مقدمات	مهد	تمهید ☐ تمحید ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تمهیدات، عین القضات همدانی. (ص ۵۳)					

@pdfkonkour

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس هشتم: از پارینز تا پاریس | گنج حکمت: سه مَرکب زندگی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۰۴	اتراق	توقّف چند روزه در سفر به جایی، موقّتاً در جایی اقامت گزیدن	-	اتراغ ☐ اتراق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در شهر سیرجان اتراق می‌کردیم. (ص ۶۰)					
۲۰۵	استبعاد	دور دانستن، بعید شمردن چیزی؛ استبعاد داشتن: بعید و دور بودن از تحقّق و وقوع امری	بعید	استبعاد ☐ اسطبعاد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	اما چه استبعادی دارد که عمری باشد و روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم. (ص ۶۱)					
۲۰۶	بازبسته	وابسته، پیوسته و مرتبط	بست، بستگی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	گفت: سه مرکب دارم؛ باز بسته. (ص ۶۹)					
۲۰۷	پانوراما	پرده‌ی نقاشی که در ساختمانی که سقف مدوّر دارد، به دیوار سقف بچسبانند.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یک پانوراما در این‌جا ساخته شده (ص ۶۳)					
۲۰۸	تداعی	یادآوری، به‌خاطر آوردن	-	تدائی ☐ تداعی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هنگام مراجعه به بانک اعتبارات ایران برای من تداعی شد. (ص ۶۱)					
۲۰۹	جرّاره	ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمّی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از بیم عقرب جرّاره‌ی دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه‌ی حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد. (ص ۶۲)					
۲۱۰	چریغ آفتاب	طلوع آفتاب، صبح زود	-	چریق آفتاب ☐ چریغ آفتاب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هنگام چریغ آفتاب کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اتراق می‌کردیم. (ص ۶۰)					
۲۱۱	چشمگیر	شایان توجّه، باارزش و مهم	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مثل این‌که مردم هم از این حکومت چیزهای چشمگیری دیده‌اند. (ص ۶۱-۶۲)					
۲۱۲	حواله	نوشته‌ای که به موجب آن دریافت‌کننده ملزم به پرداخت پول یا مال به شخص دیگری است.	مُحوَّل	هواله ☐ حواله ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	حواله‌ی سیصد تومان برای تهران لازم دارم. (ص ۶۱)					
۲۱۳	رواق	بنایی با سقف گنبدی یا به شکل	-	رواق ☐ رواغ ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است چون روی پری‌رویان با رنگ و نگار است (ص ۶۵)					
۲۱۴	سر پَر زدن	توقّف کوتاه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در این دو شهر تنها یک سر پَری زدیم. (ص ۶۱)					
۲۱۵	سوءِ هاضمه	بدگواری، دیرهضمی	-	سوءهاضمه ☐ سوءهاظمه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوءهاضمه می‌میرند. (ص ۶۳)					

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای

						ماندگاری
۲۱۶	صباح	بامداد، سپیده‌دم، پگاه	صبح	سباح ☐ صباح ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چندصباحی تا حبشه و قلب افریقا نیز پیش راند. (ص ۶۲)					
۲۱۷	طاق	سقف خمیده و محدّب، سقف قوس شکل؛ طاق ضربی: طاق احداث‌شد بین دهانه‌ی دو تیرآهن که آن را آجر و ملاط گچ می‌سازند.	-	تاغ ☐ طاق ☐ طاغ ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است. (ص ۶۲)					
۲۱۸	طَبَق	سینی گرد بزرگ و معمولاً چوبی	-	تبق ☐ طبق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هرکدام یک طبق پر از خاک کرده‌اند و در این‌جا ریخته‌اند. (ص ۶۳)					
۲۱۹	طیلسان	نوعی ردا	-	طیلسان ☐ تیلسان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مثل وصله‌های رنگارنگ بر طیلسان آبی مدیترانه دوخته شده است. (ص ۶۱)					
۲۲۱	غایت‌القصوی	حدّ نهایی چیزی، کمالِ مطلوب	غایی، اقصی	غایت‌القصوی ☐ غایت‌الغصوی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به غایت‌القصوای مقصود خود رسیده است. (ص ۶۱)					
۲۲۲	فرخنده‌پی	خوش‌قدم، نیک‌پی، خوش‌یمن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند (ص ۶۲)					
۲۲۳	فرسخ	فرسنگ، واحد اندازه‌گیری مسافت تقریباً معادل شش کیلومتر	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ناچار می‌بایست ده فرسخ راه را پیموده. (ص ۶۰)					
۲۲۴	کازیه	جاکاغذی: جعبه‌ی چوبی یا فلزی روباز که روی میز قرار می‌دهند.	-	کاذیه ☐ کازیه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پیرمرد از داخل کازیه، روی میز یک پاکت کهنه را که از جایی برایش رسیده بود، برداشت. (ص ۶۱)					
۲۲۵	کِی	پادشاه، هریک از پادشاهان سلسله‌ی کیان	کیان، کیانی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند (ص ۶۲)					
۲۲۶	کیانی	منسوب به کیان؛ کیان: کی‌ها، هریک از پادشاهان داستانی ایران از کِی‌قباد تا دارا	کی، کیان	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند (ص ۶۲)					
۲۲۷	مار غاشیه	ماری بسیار خطرناک در دوزخ؛ غا سوره‌ای از قرآن، یکی از نام‌های ق	-	مار غاشیه ☐ مار قاشیه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ناچار شده به مار غاشیه‌ی حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد. (ص ۶۲)					
۲۲۸	مستعجل	زودگذر، شتابنده	عجله، عجول	مستأجل ☐ مستعجل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همه می‌دانیم که دولت مستعجل بود. (ص ۶۲)					
۲۲۹	مغان	موبدانِ زرتشتی؛ در ادبیات عرفانی عارف کامل و مرشد را گویند.	-	مقان ☐ مغان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند (ص ۶۲)					

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۳۰	مَرکب	اسب، آنچه بر آن سوار شوند.	راکب	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	سه مرکب دارم.				(ص۹۰)
۲۳۱	نَمَط	بساط شطرنج	نماط	نمت☐ نمط☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف بر نَمَط عشق اگر پای نهی طاق نه				(ص۵۰)

واژه‌های داخل متن

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۳۲	الاغ‌تور	ترکیبی طنزآمیز است برای مسافرت با الاغ!	-	الاغ طور☐ الاغ تور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	عصر از پاریز با الاغ‌تور راه می‌افتادیم.				(ص۹۰)
۲۳۳	روم	شاهنشاهی روم، ایتالیای باستان	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است.				(ص۲۰)
۲۳۴	طریق	سیر و سلوک عارفانه	طُرُق	طریغ☐ طریق☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند				(ص۲۰)
۲۳۵	طاق	مفرد، تنها، یکتا (ضدّ جفت)؛ سقف قوسی شکل	-	طاغ☐ تاق☐ طاق☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است.				(ص۲۰)
۲۳۶	اَدهم	سیاه، تاریک؛ نام پدر ابراهیم از عارفان بزرگ قرن دوم هجری	-	ادحم☐ ادهم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	نقل است که از او [ابراهیم ادهم] پرسیدند.				(ص۹۰)
۲۳۷	چشم زدن	کنایه از ترسیدن؛ با چشم‌زخم ب کسی آسیب رساندن؛ یک لحظه؛ کوتاه، یک بار بستن و گشودن پل	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.				(ص۲۰)

جفت‌های املایی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۳۸	صد	۱۰۰	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	حواله‌ی سیصد تومان برای تهران لازم دارم.				(ص۲۰)
۲۳۹	سد	بند، حایل میان دو چیز	مسدود، انسداد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	آرزو در دل من حلقه‌ی بیرون در است سینه‌ی ساده‌ی من سدّ ره مطلب‌هاست				(صائب تبریزی)
۲۴۰	اَمان	عمّان (دو املایی)	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	از امان به بعد تغییر زمین آشکار شد.				(ص۲۰)
۲۴۱	هضم	گوارش، تحلیل غذا در معده	هاضمه	حضم☐ هضم☐ حزم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند.				(ص۲۰)

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۴۲	**حزم**	دوراندیشی	حازم	هزم ☐ حزم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**احتیاط و حزم کردم در بلا و درد عشق**		**تیغ تقدیر آمد و شد پاک حزم و احتیاط**		(سنایی)
۲۴۳	**نواحی**	جمع ناحیه، کناره‌ها، کرانه‌ها	ناحیه	نواهی ☐ نواحی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**سواحل شرقی مدیترانه از زیباترین نواحی عالم است.**				(ص۶۱)
۲۴۴	**نواهی**	جمع نهی، چیزهایی که در شرع ممنوع باشند	نهی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**همه نواهی او را مطاوع است قضا**		**همه اوامر او را متابع است قدر**		(قاآنی)
۲۴۵	**خِضر**	سبز، حضرت خضر که رسیدن به چشمه‌ی آب زندگانی را به او نسب می‌دهند و در ادبیات ما مایه‌ی سرسبزی و بهروزی و هم‌چنین نه پیرو و مرشد در مسیر عرفان اس	اخضر	خضر ☐ خذر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**آیین طریق از نفس پیر مغان یافت**		**آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند**		(ص۶۲)
۲۴۶	**خزر**	دریای خزر	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**روز آدینه ببستیم ز ری رخت سفر**		**بسپردیم ره دیلم و دریای خزر**		(ملک‌الشعرای به
۲۴۷	**مَنظَر**	جای نگریستن، چهره، سیما، نگاه، نظر؛ مُنظَر (انتظار کشیده)	نظر، منظره، نظاره	مَنذَر ☐ مَنزَر ☐ مَنضَر ☐ مَنظَر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**منظره‌ی جنگ واترلو را به‌صورت نقّاشی مجسّم کرده‌اند.**				(ص۶۳)
۲۴۸	**مُنذِر**	آگاه‌سازنده، ترساننده	انذار، تنذیر	مُنزر ☐ مُنذر ☐ مُنظر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**تا که این هر دوصفت ظاهر شود**		**آن مبشر گردد، این منذر شود**		(مولوی)

@pdfkonkour

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

درس نهم: کویر | روان‌خوانی: بوی جوی مولیان

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۴۹	آستانه	آستان، آغاز	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	امّا در آستانه‌ی میوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود (ص ۷۰)					
۲۵۰	ابدیت	جاودانگی، پایندگی، بی‌کرانگی	ابد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	نشئه‌های سرشار از شعر و خیال و عظمت و شکوه و ابدیت پر از قدس و چهره‌های پر از ماورا محروم‌تر می‌شد (ص ۷۳)					
۲۵۱	ارادت	میل و خواست، اخلاص، علاقه و محبّت همراه با احترام	اراده	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بل به نیروی ارادت و کشش ایمان (ص ۷۰)					
۲۵۲	استشمام	بوییدن	مشام	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عطر الهام را در فضای اسرارآمیز آن استشمام کرده است. (ص ۷۱)					
۲۵۳	اسرا	در شب سِیر کردن، هفدهمین سوره‌ی قرآن کریم	سرایت، مسری، ساری، تسرّی	اصرا ☐ اسرا ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خسته از نشئه‌ی خوب و پاک آن اسرا در بستر خویش به خواب رفتم. (ص ۷۳)					
۲۵۴	اندوه‌گسار	غم‌گسار، غم‌خوار	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در شهر آرام و قرار و غمخوار و اندوه‌گسار نداشتم. (ص ۸۰)					
۲۵۵	انگاره	طرح، نقشه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بر انگاره‌ی عشق آبادش ساخته‌اند.					
۲۵۶	اهورایی	ایزدی، خدایی، منسوب به اهورا	اهورا	احورایی ☐ اهورایی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد. (ص ۷۳)					
۲۵۷	ایل	گروهی از مردم هم‌نژاد که معمولاً به‌صورت چادرنشینی زندگی می‌کنند؛ ایل و تبار: خانواده و نژاد و اجداد	ایلات		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ایل ما در سال دو مرتبه از نزدیکی شیراز می‌گذشت. (ص ۷۷)					
۲۵۸	بطالت	بیکاری، بیهودگی، کاهلی	باطل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چرا در ایل مانده‌ای و عمر را به بطالت می‌گذرانی. (ص ۸۰)					
۲۵۹	بَن	درختی خودرو و وحشی، پسته‌ی وحشی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	برای کسانی که به آتش سرخ بَن و بلوط خو گرفته بودند. (ص ۷۷)					
۲۶۰	پرنیان	پارچه‌ی ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ریگ آموی پرنیان شد. (ص ۸۱)					
۲۶۱	تعبیر	بیان کردن، شرح دادن، بازگویی	مُعَبر	تأبیر ☐ تعبیر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در این تلقّی و تعبیر پنهان است. (ص ۷۳)					

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۶۲	**تفرجگاه**	گردشگاه، جای تفرّج، تماشاگاه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**آسمان، تفرّجگاه مردم کویر است.** (ص ۷۳)				
۲۶۳	**تلقّی**	دریافت، نگرش، تعبیر	القا	تلقّی☐ تلغّی☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**در این تلقّی و تعبیر پنهان است.** (ص ۷۳)				
۲۶۴	**تموز**	ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه، ماهِ گرما	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**چشمه‌ی آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید.** (ص ۷۰)				
۲۶۵	**حکمت**	فلسفه، به‌ویژه فلسفه‌ی اسلامی	حکمی، حِکَم	هکمت☐ حکمت☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**استادان بزرگ حکمت و فقه و ادب، نه در ادارات که در غرفه‌های مساجد یا مَدرس‌های مدارس می‌نشستند.** (ص ۷۰)				
۲۶۶	**دلاویز**	پسندیده، خوب، زیبا	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**باز در سایه‌ی دلاویز چادرها و در دامن معطّر چمن‌ها سفره‌های پرسخاوت ایل را گستردند.** (ص ۷۹)				
۲۶۷	**سَموم**	باد بسیار گرم و زیان‌رساننده	-	ثموم☐ صموم☐ سموم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطّر شعر و خیال و الهام و احساس در سَموم سرد این عقل بی‌درد.** (ص ۷۳)				
۲۶۸	**شبدر**	گیاهی علفی و یک‌ساله؛ شبدرِ دوچین: شبدری که قابلیت آن را دو بار پس از روییدن چیده شده	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**بوی شبدر دوچین هوا را عطرآگین ساخته است.** (ص ۸۱)				
۲۶۹	**شیهه**	صدا و آواز اسب	-	شیهج☐ شیهه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**من زندگانی را در چادر با تیر تفنگ و شیهه‌ی اسب آغاز کردم.** (ص ۷۷)				
۲۷۰	**طفیلی**	منسوب به طفیل، وابسته، میهمان ناخوانده	طفیل	تفیلی☐ طفیلی☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.** (ص ۸۰)				
۲۷۱	**عدلیّه**	دادگستری	عدل، عادل	ادلیّه☐ عدلیّه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**از ترقّی عدلیّه چشم پوشیدم.** (ص ۸۰)				
۲۷۲	**غرفه**	بالاخانه	غُرَف	قرفه☐ غرفه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**در غرفه‌های مساجد یا مَدرس‌های مدارس می‌نشستند.** (ص ۷۰)				
۲۷۳	**فقه**	علم احکام شرعیه	فقیه	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**تاریخ بیهق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوای مزینان یاد می‌کند.** (ص ۷۰)				
۲۷۴	**قاش**	قاچ، قسمت برآمده‌ی جلوی زین؛ کوهه‌ی زین	-	غاش☐ قاش☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**در چهار سالگی پشت قاش زین نشستم** (ص ۷۷)				
۲۷۵	**قدس**	پاکی،صفا، قداست	مقدس، تقدس	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐

نمونه در متن	نشئه‌های سرشار از شعر و خیال و عظمت و شکوه و ابدیت پر از قدس				(ص ۷۳)
	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۷۶	قندیل	چراغ یا چهل‌چراغی که می‌آویزند.	قنادیل	غندیل ☐ قندیل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	قندیل زیبای پروین سر زد					(ص ۷۳)
۲۷۷	کمانه	نام کوهی در منطقه‌ی ونک از توابع شهرستان سمیرم	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کبک دری در قلّه‌های کمانه، فراوان شده است					(ص ۸۱)
۲۷۸	کَهَر	اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است.	-	کحر ☐ کهر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بر گرده‌ی کَهَرها و کُرَندها نهادند.					(ص ۷۹)
۲۷۹	کُرَند	اسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بر گرده‌ی کَهَرها و کُرَندها نهادند.					(ص ۷۹)
۲۸۰	گرمسیر	منطقه‌ای که تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های معتدل دارد؛ مقابل سردسیر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	با آمدن فروردین، گرما را به گرمسیر سپردند					(ص ۷۹)
۲۸۱	ماورا	فراسو، آن‌سو، ماسوا، برتر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	و چهره‌های پر از ماورا محروم‌تر می‌شدم					(ص ۷۳)
۲۸۲	ماوراءالطبیعه	آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده باشد؛ مانند خداوند، روح و مانند آن‌ها	طبیعت	ماوراع‌الطبیعه ☐ ماوراءالطبیعه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ماوراء الطبیعه را که همواره فلسفه از آن سخن می‌گوید					(ص ۷۹)
۲۸۳	مباهات	افتخار، سرافرازی	-	مباحات ☐ مباهات ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	روز و شب با فخر و مباهات، با شادی و غرور به تصدیقم می‌نگریست.					(ص ۷۰)
۲۸۴	مدرس	محلّی که در آن تدریس کنند؛ موضع درس گفتن	درس، تدریس، مدرسه	مدرث ☐ مدرس ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در غرفه‌های مساجد یا مَدرس‌های مدارس می‌نشستند					(ص ۷۰)
۲۸۵	مشایعت	همراهی کردن، بدرقه کردن	تشییع	مشایعت ☐ مشایئت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند					(ص ۷۰)
۲۸۶	معلّق	آویزان، آویخته شده	تعلق	معلّق ☐ معلّغ ☐ مؤلق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	غرق در این دریای سبز معلّقی که بر آن مرغان الماس پَر، ستارگان زیبا و خاموش، تک‌تک از غیب سرمی‌زنند.					(ص ۷۳)
۲۸۷	نشئه	حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی	منشأ	نشعه ☐ نشئه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خسته از نشئه‌ی خوب و پاک آن اسرا در بستر خویش به خواب رفتم					(ص ۷۳)
۲۸۸	نظاره	تماشا کردن، نگاه، نگریستن	نظر، منظر	نظاره ☐ نضاره ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به نظاره‌ی آسمان رفته بودم.					(ص ۷۳)

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۸۹	یغما	غارت، تاراج؛ به یغما رفتن: غارت شدن		یقما☐ یغما☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		دار و ندار ما هم اشتباهاً به دست حضرات دولتی و ملّتی به یغما رفت. (ص ۷۷)				

واژه‌های داخل متن

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۲۹۰	ارگ	ارک، کاخ، دژ، قلعه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		از دل ارگ مزینان سر بر می‌دارد. (ص ۷۰)				
۲۹۱	بیهق	نام قدیم سبزوار	بیهقی	بیهق☐ بیحق☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		تاریخ بیهق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوای مزینان یاد می‌کند. (ص ۷۰)				
۲۹۲	سرسپردن	فرمان بردن، پیروی و شاگردی کامل	سرسپرده	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		سر می‌سپرد. (ص ۷۰)				
۲۹۳	کلام	فلسفه‌ی اسلامی، بحث بر سر اصول دین	متکلم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین شایسته‌ی وی بود روشن نگاه دارد. (ص ۷۰)				
۲۹۴	مُنقَلب	آشفته، به‌هم‌ریخته	انقلاب، تقلّب، مقلوب	منغلب☐ منقلب☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		ناگهان منقلب شد. (ص ۷۰)				
۲۹۵	تلألؤ	درخشش	لؤلؤ (مروارید)، متلألی (درخشان)	تلألؤ☐ طلألؤ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		ماه با تلألؤ پرشکوهش از راه رسید. (ص ۷۳)				
۲۹۶	عددین	جزئی‌نگر، محاسبه‌گر	تعداد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددین مصلحت‌اندیش آلود. (ص ۷۳)				
۲۹۷	مصلحت‌اندیش	منفعت‌طلب	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددین مصلحت‌اندیش آلود. (ص ۷۳)				
۲۹۸	مشقی	تمرینی (مشق: تمرین)	مشق	مشغی☐ مشقی☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		نمی‌دانستم که تفنگ مشقی قشنگم را می‌گیرند. (ص ۷۷)				
۲۹۹	زَرق	دورویی، ظاهرسازی، دورنگی	تزریق	ذرق☐ زرق☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		کارمان از آن زندگی پر زرق و برق کدخدایی و کلانتری به یک اتاق کرایه‌ای در یک خانه‌ی چند اتاقی کشید. (ص ۷۷)				
۳۰۰	حصر	دور چیزی را گرفتن، محاصره کردن، محدودیت ایجاد کردن	محصور، محاصره	حسر☐ حصر☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		غصّه‌ی مادر و سرگردانی من و بچّه‌ها حدّ و حصر نداشت. (ص ۷۹)				

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۰۱ زبانزد	پرآوازه، معروف	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	فرش‌های گرانبهای چادرش زبانزد ایل و قبیله بود. (ص ۷۹)				
۳۰۲ عزیمت	سفر کردن، قصد کردن	عازم	ازیمت☐ عزیمت☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پس از عزیمت رضاشاه ـ که قبلاً رضاخان بود و بعداً هم رضاخان شد ـ همه‌ی تبعیدی‌ها رها شد (ص ۷۹)				
۳۰۳ عشیره	قبیله، طایفه، خویشان و نزدیکان، ایل	عشائر	عشیره☐ اشیره☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به ایل و عشیره بازگشتند. (ص ۷۹)				
۳۰۴ مواهب	بخشایش‌ها و نعمت‌ها، جمعِ موهبت	موهبت	مواحب☐ مواهب☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	نتوانستم از مواهب خداداد و نعمت‌های طبیعت بهره‌مند شوم. (ص ۸۰)				
۳۰۵ بهارخواب	همان تراسِ قدیمی‌ها که بهارها در آن‌جا می‌خوابیدند.	-	بهارخواب☐ بهارخاب☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	حیاط و بهارخواب نداشتم. (ص ۸۰)				
۳۰۶ کبک دَری	نوعی کبک کم‌یاب و زیبا که چند برابر کبک عادی است و معمولاً در بلندی‌ها و ستیغ کوه‌ها دیده می‌شود.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کبک دری در قلّه‌های کمانه، فراوان شده است. (ص ۸۱)				
۳۰۷ مدهوش	دچار دِهشَت، سرگردان و متحیّر، گیج، بیهوش	دهشت	مدهوش☐ مدحوش☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بوی جوی مولیان مدهوشم کرد. (ص ۸۱)				
۳۰۸ گساردن	نوشیدن	می‌گساری، غم‌گسار	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در شهر آرام و قرار و غمخوار و اندوهگسار نداشتم. (ص ۸۰)				

جفت‌های املایی

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۰۹ خواستن	خواهش کردن، آرزو داشتن، طلبیدن، قصد داشتن	خواسته	خاستن☐ خواستن☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	روزی پدرم را به شهربانی خواستند. (ص ۷۷)				
۳۱۰ خاستن	بلند شدن، برخاستن	-	خاستن☐ خواستن☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ز گریه موی بر اندام من همی خیزد گیا به خاستن آید، زمین چو تر باشد (امیرخسرو دهلو)				
۳۱۱ مأمور	عامل، کارگزار، کسی که به او کاری امر شده است	امر، امیر، امارت	معمور☐ مأمور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مأمور امیدوارمان کرد. (ص ۷۷)				
۳۱۲ معمور	آباد شده، تعمیر شده	عمارت، تعمیر	مأمور☐ معمور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در خرابی می‌روم زیرا که هست عالم معموری من در خراب (نزاری قهستانی)				

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

۳۱۳	**اسرار**	جمعِ سِر، رازها، نهانی‌ها	سرّ	اسرار ☐ اصرار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**عطر الهام را در فضای اسرارآمیز آن استشمام کرده است.**					(ص ۷۱)
۳۱۴	**اِصرار**	پافشاری کردن، الحاح	مُصِر	اصرار ☐ اسرار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**در آن پرشور لحظه دل من با چه اصراری تو را خواست**					(مهدی اخوان ثالث)
۳۱۵	**محصور**	محاصره شده	حصار	محصور ☐ مهصور ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**تنفس در اتاقکی محصور، دشوار و جان‌فرسا بود.**					(ص ۷۷)
۳۱۶	**محسور**	دریغ خورنده، حسرت خورنده، خیره چشم مانده	حسرت	محسور ☐ محصور ☐ مهسور ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**گاهی دو چشم خونین از لای بوته‌ها مبهوت می‌درخشد و محسور می‌شود**					(فریدون مشیری)
۳۱۷	**حوضه**	ناحیه یا منطقه‌ای که آب‌های آن به یک‌جا می‌ریزد.	حوض	حوزه ☐ حوضه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**خبر بردند شیرین را که فرهاد به ماهی حوضه بست و جوی بگشاد**					(نظامی)
۳۱۸	**حوزه**	زمینه، ناحیه، جانب، طرف	-	حوزه ☐ حوضه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**همه‌ی چشم‌ها به او بود که حوزه‌ی حکمت را او گرم ...**					(ص ۷۰)
۳۱۹	**مباهات**	افتخار، سرافرازی	-	مباحات ☐ مباهات ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**روز و شب با فخر و مباهات، با شادی و غرور به تصدیقم می‌نگریست.**					(ص ۷۹)
۳۲۰	**مباحات**	کارهای مباح و مشروع و روا	مباح	مباحات ☐ مباهات ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**دیدی چو من خرابی افتاده در خرابات فارغ شده ز مسجد وز لذت مباحات**					(فخرالدین عراقی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس دهم: فصل شکوفایی — گنج حکمت: تیرانا!

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۲۱	برزخ	حدّ فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ	برازخ	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آن‌جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و در غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو (ص ۸۴)					
۳۲۲	چشمداشت	انتظار و توقّع امری از چیزی یا کسی؛ چشم‌داشتن: منتظر دریافت پاداش یا مزد بودن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بی هیچ‌گونه چشم‌داشتی به سپاسگزاری یا آفرین (ص ۸۷)					
۳۲۳	داعیه	ادّعا	مدعی	دائیه ☐ داعیه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بی‌آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم (ص ۸۷)					
۳۲۴	زخمه	ضربه، ضربه زدن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پاداش هر زخمه‌ی سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند (ص ۸۷)					
۳۲۵	گشاده‌دستی	بخشندگی، سخاوت	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	گشاده‌دستی و کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز (ص ۸۷)					

واژه‌های داخل متن

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۲۶	آیینه‌دار	کسی‌که آیینه‌ای در برابر دیگری (معمولاً عروس) می‌گیرد تا او خودش را در آینه ببیند.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آیینه‌دار من و تو (ص ۸۴)					
۳۲۷	تَبَه	تباه، نابود	تباهی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ز خورشید و از آب و از باد و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک (ص ۸۶)					
۳۲۸	پای‌فرسوده	خسته از رهنوردی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پای فرسودگان آفتاب‌زده را نوازشگری درمان‌بخش دردها (ص ۸۷)					
۳۲۹	مایه	اندازه، موجب، پول	-	مایع ☐ مایه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تو اگر آن مایه کرامت را از مادر به میراث می‌داشتی (ص ۸۷)					

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

درس یازدهم: آن شب عزیز | شعرخوانی: شکوه چشمان تو

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۳۰	بی‌حفاظ	بدون حصار و نرده	محافظت، حفظ، حافظ	بی‌حفاض ☐ بی‌حفاظ ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	خورشید بی‌حفاظ نشسته به روی خاک؟ یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟ (ص ۹۶)				
۳۳۱	تشر	سخنی که همراه با خشم، خشونت و اعتراض است.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	دوباره به من تشر زدید که بروم (ص ۹۳)				
۳۳۲	پگاه	صبحِ زود، هنگام سحر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	آه این سر بریده‌ی ماه است در پگاه؟ یا نه! سر بریده‌ی خورشید شامگاه؟ (ص ۹۶)				
۳۳۳	تعلّل	عذر و دلیل‌آوردن، به تعویق انداختن چیزی یا انجام کاری، درنگ، اهمال کردن	علت، معلول	تألّل ☐ تعلّل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	وقتی که تعلّل کردند، موظّف‌شان کردید (ص ۹۳)				
۳۳۴	جناق	جناغ، استخوان پهن و دراز در جلو قفسه سینه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تیر انگار خورده بود به جناق سینه‌تان. (ص ۹۳)				
۳۳۵	حزین	غم‌انگیز	حزن، محزون	حذین ☐ هزین ☐ حزین ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	حزین‌ترین و عاشقانه‌ترین لحنی بود که در عمرم شنیده بودم. (ص ۹۰)				
۳۳۶	حمایل	نگه‌دارنده، محافظ	حامل، حمل	همایل ☐ حمایل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	دستتان را بر چشم‌های درشتتان که در نور آفتاب جمع شده بود، حمایل کرده بودید. (ص ۸۸)				
۳۳۷	حیثیت	آبرو؛ ارزش و اعتبار اجتماعی که باعث سربلندی و خوش‌نامی شخص می‌شود.	-	حیثیت ☐ هیثیت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت (ص ۹۵)				
۳۳۸	خشاب	جعبه‌ی فلزیِ مخزن گلوله که به وصل می‌شود و گلوله‌ها پی‌درپی وارد لوله‌ی سلاح می‌شود.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	یک خشاب فشنگم را درست در همان نقطه‌ی آتش، خالی کردم. (ص ۹۲)				
۳۳۹	دنج	ویژگی جای خلوت و آرام و بدون رفت‌وآمد	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	جای دنجی بود. (ص ۹۰)				
۳۴۰	دیباچه	آغاز و مقدّمه‌ی هر نوشته			.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تا باز کند به روی عالم دیباچه‌ی خاطرات شیرین (ص ۹۵)				
۳۴۱	روضه	ذکر مصیبت و نوحه‌سرایی	ریاض	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روضه‌ی مجسّم گودال قتلگاه (ص ۹۷)				
۳۴۲	شامّه	حسّ بویایی	شمّ، شمیم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐

@pdfkonkour

نمونه در متن	از شامه‌ی قوّی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.					
۳۴۳	شَبَح	آنچه به‌صورت سیاهی به‌نظر می‌آید، سایه‌ی موهوم از کسی یا چیزی	اشباح	شبه ☐ شبح ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شبح شما را در میان تاریکی تعقیب می‌کردم. (ص ۹۰)					
۳۴۴	شرف	بزرگواری، حرمت و اعتباری که از رعایت کردن ارزش‌های اخلاقی به‌وجود می‌آید.	شریف، مشرف	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک؟ ای مسلم شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟ (ص ۹۷)					
۳۴۵	طفره رفتن	خودداری کردن از انجام کاری از روی قصد و با بهانه آوردن	-	تفره رفتن ☐ طفره رفتن ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	طفره می‌رفتید. (ص ۸۹)					
۳۴۶	کلافه	بی‌تاب و ناراحت به علّت قرار گرفتن در وضع آزاردهنده	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مدیر را کلافه کردم. (ص ۸۸)					
۳۴۷	گُردان	واحد نظامی که معمولاً شامل سه گروهان است.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	برای رساندن پیغام به گردان شما آمده‌ام. (ص ۸۹)					
۳۴۸	متقاعد	مُجاب شده، مجاب، قانع شده؛ متقاعد کردن: مجاب کردن، وادار به قبول امری کردن	تقاعد	متغاعد ☐ متقائد ☐ متقاعد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	عاقبت شما را متقاعد کرد. (ص ۸۹)					
۳۴۹	مجسّم	به‌صورت جسم درآمده، تجسّم‌یافته	جسم، اجسام	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روضه‌ی مجسّم گودال قتلگاه (ص ۹۷)					
۳۵۰	محضر	دفترخانه، دادگاه	حاضر، حضور	محظر ☐ محضر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شاهد نیاز نیست که در محضر آورند در دادگاه عشق رگ گردنت گواه (ص ۹۷)					
۳۵۱	مُسلِم	پیرو دین اسلام	اسلام، تسلیم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟ ای مسلمِ شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟ (ص ۹۷)					
۳۵۲	مُصِر	اصرارکننده، پافشاری کننده	اصرار	مسر ☐ مصر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	من بیش از همه مصر بودم. (ص ۸۸)					

واژه‌های داخل متن

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۵۳	تَل	تپه، توده‌ی خاک و شن، پُشته	-	طل ☐ تل ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همین گمان مرا به سوی آن دو تلّ خاک کشانید. (ص ۹۰)					
۳۵۴	سُراغ	نشان، ردّ پا	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ماه آمده به دیدن خورشیدصبح زود خورشید رفته است سر شب سراغ ماه (ص ۹۶)					
۳۵۵	حتم	لازم، ناگزیر	حتماً، حتمی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	اگر پیش تو بروم به حتم گم می‌شوم. (ص ۹۰)					

جفت‌های املایی

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۵۶	عرض	نشان دادن، آشکار کردن، بیان مطلبی با احترام و ادب	معرَض، عارض	ارض ☐ عرض ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	من خبر قابل عرض نداشتم. (ص ۸۹)					
۳۵۷	ارض	زمین	-	عرض ☐ ارض ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کس را نگشت معجزه جز در زمین پدید او خاص بُد به معجزه در ارض و در سما (عطار)					
۳۵۸	روضه	باغ، گلزار، مطالب و اشعاری که ه عزا و سوگواری بالای منبر می‌خو	ریاض	روضه ☐ روزه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است ای روضه‌ی مجسّم گودال قتلگاه (ص ۹۷)					
۳۵۹	روزه	یکی از شعائر مذهبی و آن خودداری از خوردن و آشامیدن و سایر مبطلات از اذان صبح تا اذان مغرب	-	روضه ☐ روزه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	روزه‌دارم من و افطارم از آن لعل لب است آری، افطار رطب در رمضان مستحب است (شاطر عباس صبو-					
۳۶۰	شبه	مانند، مثل، همسان	شبیه، تشبیه، شباهت	شبه ☐ شبح ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به شبه و شکل تو گر دیگران برون آیند زمانه نیک شناسد زمرد از مینا (انوری)					
۳۶۱	شَبَح	کالبد، سیاهی جسم که از دور به نظر می‌رسد.	اشباح	شَبَه ☐ شَبَح ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شبح شما را در میان تاریکی تعقیب می‌کردم. (ص ۹۰)					
۳۶۲	هضم	گوارش، تحلیل غذا در معده	هاضمه	هضم ☐ حضم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هضم می‌کرد. (ص ۹۲)					
۳۶۳	حزم	دوراندیشی	حازم	حزم ☐ هزم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	محکم‌تر است حزم تو از کوه بیستون صافی‌تر است عزم تو از خنجر صقیل (مسعود سعدسلما					
۳۶۴	جناق	جناغ (دو املایی)	-	جناغ ☐ جناق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تیر انگار خورده بود به جناق سینه‌تان (ص ۹۳)					
۳۶۵	موضع	محل، جای	وضع، وضعیت	موظع ☐ موضع ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	با هم به سوی موضع، راه افتادیم. (ص ۹۰)					
۳۶۶	مُوَزَّع	توزیع کننده، پخش کننده	توزیع	مُوَزِّع ☐ مُوَضِّع ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	موزع کن به خود اوقات و ساعت به روز و شب، به انواع عبادت (عطار)					

تـوشـه ای بـرای مـوفقیـت

درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش | گنج حکمت: به جوانمردی کوش

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۳۶۷	آزرم	شرم، حیا	-	آذرم ☐ آزرم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	اما او که آزرم و حیا و پاکدامنی و عفاف آموخته است، تن به گناه نمی‌سپارد. (ص ۱۰۰)					
۳۶۸	ارتفاع	محصول زمین‌های زراعتی؛ ارتفاعِ ولایت: عایدات و درآمدهای مملکت	مرتفع	ارتفاء ☐ ارتفاع ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت. (ص ۱۰۸)					
۳۶۹	اندیشه	بدگمانی، اندوه، ترس، اضطراب، ف	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	که هرچند فرزند هست ارجمند — دل شاه از اندیشه یابد گزند (ص ۱۰۰)					
۳۷۰	ایمِن	در امن، دل‌آسوده	امن، امان	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سرانجام گفت ایمن از هر دوان — نه گردد مرا دل، نه روشن روان (ص ۱۰۱)					
۳۷۱	بریان	در لغت کباب‌شده و پخته‌شده بر آتش، مجازاً ناراحت و مضطرب؛ بریان شدن: غمگین و ناراحت شدن، در سوز و گداز بودن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سراسر همه دشت بریان شدند — برآن چهر خندانش گریان شدند (ص ۱۰۳)					
۳۷۲	پُرمایه	گران‌مایه، پرشکوه؛ مایه: قدرت، ت	-	پرمایع ☐ پرمایه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بدان گاه سوگند پرمایه شاه — چنین بود آیین و این بود راه (ص ۱۰۳)					
۳۷۳	تازی	اسبی از نژاد عربی با گردن کشیده و پاهای باریک	-	طازی ☐ تاذی ☐ تازی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یکی تازی‌ای برنشسته سیاه — همه خاک نعلش برآمد به ماه (ص ۱۰۳)					
۳۷۴	تپش	اضطراب ناشی از گرمی و حرارت، گرمی و حرارت	-	تپش ☐ طپش ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به نیروی یزدان نیکی دهش — کزین کوه آتش نیابم تپش (ص ۱۰۴)					
۳۷۵	تطاول	ستم و تعدّی، به زور به چیزی دست پیدا کردن	متطاول	طتاول ☐ تطاول ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دست تطاول به مال رعیّت دراز کرده بود. (ص ۱۰۸)					
۳۷۶	تعصّب	طرفداری یا دشمنی بیش از حد نسبت به شخص، گروه یا امری	متعصّب	تعسّب ☐ تعصّب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خلقی بر او به تعصّب گرد آمدند. (ص ۱۰۸)					
۳۷۷	حَشَم	خدمتکاران، خویشان و زیردستانِ فرمانروا	احشام	هشم ☐ حشم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	فریدون که گنج و مُلک و حشم نداشت. (ص ۱۰۸)					
۳۷۸	حلقه‌به‌گوش	کنایه از فرمانبردار و مطیع	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بنده‌ی حلقه به گوش ار ننوازی برود — لطف کن، لطف که بیگانه شود حلقه‌به‌گوش (ص ۱۰۸)					

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

۳۷۹	**خَستن**	زخمی کردن، مجروح کردن	خسته	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست** (ص۱۰۷)					
۳۸۰	**خُود**	کلاه‌خود	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**سیاوش بیامد به پیش پدر یکی خُود زرّین نهاده به سر** (ص۱۰۳)					
۳۸۱	**خیره‌سر**	گستاخ و بی‌شرم، لجوج	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**سیاوش، فرزند کاووس، شاه خیره‌سر کیانی است.** (ص۱۰۰)					
۳۸۲	**دستور**	وزیر، مشاور	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت،صد کاروان** (ص۱۰۱)					
۳۸۳	**زوال**	نابودی، از بین رفتن	زایل	ذوال☐ زوال☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**کتاب شاهنامه همی خواندند در زوال مملکت ضحّاک و عهد فریدون** (ص۱۰۸)					
۳۸۴	**سبو**	کوزه، ظرف معمولاً دسته‌دار از سفال یا جنس دیگر	-	صبو☐ سبو☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی بباید زدن سنگ را بر سبوی** (ص۱۰۰)					
۳۸۵	**سپَردن**	طی کردن، پیمودن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**اگر کوه آتش بود بسپَرم ازین ننگ خوار است اگر بگذرم** (ص۱۰۱)					
۳۸۶	**سمن**	نوعی درخت گل، یاسمن	-	ثمن☐ سمن☐ صمن☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**چنان آمد اسب و قبای سوار که گفتی سمن داشت اندر کنار** (ص۱۰۴)					
۳۸۷	**شبیخون**	حمله‌ی ناگهانی دشمن در شب	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**چو شب تیره گردد، شبیخون کنیم ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم** (ص۱۰۵)					
۳۸۸	**طرح افکندن**	کنایه از بنانهادن؛ طرح ظلم افکندن: سبب پیدایش و گسترش ظلم شدن، بنیان ظلم نهادن	طراح	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار مُلک خویش بکند** (ص۱۰۸)					
۳۸۹	**عَجَم**	سرزمینی که ساکنان آن غیرعرب، به‌ویژه ایرانی باشند.	اعجم، اعاجم	اَجَم☐ عَجَم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**یکی را از ملوک عجم حکایت کنند.** (ص۱۰۸)					
۳۹۰	**عفاف**	رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی	عفت، عفیف	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**اما او که آزرم و حیا و پاکدامنی و عفاف آموخته است.** (ص۱۰۰)					
۳۹۱	**غربت**	غریبی، دوری از خانمان	غریب	قربت☐ غربت☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**از کُربَت جورش راه غربت گرفتند.** (ص۱۰۸)					
۳۹۲	**فرهیختگی**	فرهیخته بودن، فرهیخته: برخوردار از سطح والایی از دانش، معرفت یا فرهنگ	-	فرهیخته‌گی☐ فرهیختگی☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**رسم پهلوانی، فرهیختگی و رزم و بزم به او می‌آموزد.** (ص۱۰۰)					

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

۳۹۳	**فریادرس**	یاور، دستگیر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**هرکه فریادرس روز مصیبت خواهد گو در ایّام سلامت به جوانمردی کوش**					(ص۱۰۸)
۳۹۴	**کُربت**	غم، اندوه؛ کُربت جور: اندوه حاصل از ظلم و ستم	کرب	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**از کُربت جورش راه غربت گرفتند.**					(ص۱۰۸)
۳۹۵	**مقرّر شدن**	قرار گرفتن، ثبات و دوام یافتن	قرار، استقرار	مغرّر شدن☐ مقرّر شدن☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**چگونه بر او مملکت مقرّر شد؟**					(ص۱۰۸)
۳۹۶	**مکاید**	جمعِ مکیده یا مکیدت، کیدها، مکرها، حیله‌ها	کید، مکیدت	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند.**					(ص۱۰۸)
۳۹۷	**مَلِک**	پادشاه، سلطان	ملوک	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**ای مَلِک چون گرد آمدن خلق موجب پادشاهی است.**					(ص۱۰۸)
۳۹۸	**موبد**	روحانی زرتشتی، مجازاً مشاور	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**وز آن پس به موبد بفرمود شاه که بر چوب ریزند نفت سیاه**					(ص۱۰۳)
۳۹۹	**نقصان**	کم‌شدن، کاهش یافتن	نقص	نقصان☐ نغصان☐ نقسان☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت.**					(ص۱۰۸)
۴۰۰	**نماز بردن**	تعظیم کردن، عمل سر فرود آوردن در مقابل کسی برای تعظیم	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**بدان گه که شد پیش کاووس باز فرود آمد از باره، بردش نماز**					(ص۱۰۳)
۴۰۱	**نواختن**	کسی را با گفتن سخنان محبّت‌آمیز یا بخشیدنِ چیزی مورد محبّت قرار دادن	نواخته	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**بنده‌ی حلقه به گوش ار ننوازی برود لطف کن، لطف که بیگانه شود حلقه به‌گوش**					(۱۰۸)
۴۰۲	**نیک‌پی**	خوش‌قدم	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**پر اندیشه شد جان کاووس کی ز فرزند و سودابه‌ی نیک‌پی**					(ص۱۰۱)
۴۰۳	**نیکی دهش**	نیکی‌کننده	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**به نیروی یزدان نیکی دهش کزین کوه آتش نیابم تپش**					(ص۱۰۴)
۴۰۴	**ولایت**	کشور، سرزمین	ولی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت.**					(ص۱۰۸)
۴۰۵	**هشیوار**	هوشیار، هوشیارانه، آگاهانه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**هشیوار و با جامه‌های سپید لبی پر ز خنده، دلی پر امید**					(ص۱۰۳)
۴۰۶	**هیون**	شتر، به‌ویژه شتر قوی‌هیکل و درشت‌اندام	-	حیون☐ هیون☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت،صد کاروان**					(ص۱۰۱)

واژه‌های داخل متن

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۰۷	سپهبد	سرلشکر، سپه‌سالار	سپه	سپهبد ☐ سپهبد ☐ سپحبد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چنین گفت موبد به شاه جهان	که درد سپهبد نماند نهان			(ص ۱۰۰)
۴۰۸	هاماوران	زادگاه سودابه، سرزمین‌های غرب شاهنشاهی ایران، یمن	-	حاماوران ☐ هاماوران ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		وزین دختر شاه هاماوران	پراندیشه گشتی به دیگر کران			(ص ۱۰۰)
۴۰۹	نابه‌کار	بدکار	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		کزین دو یکی گر شود نابه‌کار	از آن پس که خواند مرا شهریار؟			(ص ۱۰۱)
۴۱۰	دل‌گُسل	دل‌آزار، آنچه دل را از هم می‌گسلد	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		همان به کزین زشت کردار، دل	بشویم کنم چاره‌ی دل‌گُسل			(ص ۱۰۱)
۴۱۱	باره	اسب، دیوار دژ	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		بدان گه که شد پیش کاووس باز	فرود آمد از باره، بردش نماز			(ص ۱۰۳)

جفت‌های املایی

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۱۲	خار	زائده‌های نوک‌تیزی که در شاخه‌های بعضی گیاهان می‌روید، هر چیز شبیه تیغ گیاه	-	خار ☐ خوار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		جز به چشم عظمت هر که در او در نگرد	مژه در دیده‌ی او خار مغیلان گردد			(منوچهری)
۴۱۳	خوار	آسان، سهل، پست، زبون	-	خار ☐ خوار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		اگر کوه آتش بود بسپَرم	ازین ننگ خوار است اگر بگذرم			(ص ۱۰۱)
۴۱۶	سمن	نوعی درخت گل، یاسمن	-	صمن ☐ ثمن ☐ سمن ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چنان آمد اسپ و قبای سوار	که گفتی سمن داشت اندر کنار			(ص ۱۰۴)
۴۱۷	ثمن	قیمت چیزی، بها، نرخ	ثمین	صمن ☐ ثمن ☐ سمن ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		بی‌هنر دان، نزد بی‌دین، هم قلم، هم تیغ را	چون نباشد دین، نباشد کلک و آهن را ثمن			(ناصرخسرو)
۴۱۸	غو	بانگ و خروش، فریاد	-	قو ☐ غو ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چو او را بدیدند برخاست غو	که آمد ز آتش برون شاه نو			(ص ۱۰۴)
۴۱۹	قو	پرنده‌ای از جنس مرغابی شبیه غاز	-	غو ☐ قو ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		تو دریای من بودی، آغوش وا کن	که می‌خواهد این قوی زیبا بمیرد			(مهدی حمیدی شیر)

تـوشـه ای بـرای مـوفقیـت

درس سیزدهم: خوانِ هشتم — شعرخوانی: ای میهن!

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۲۰	تنیده	درهم بافته	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن بود لبریز از عشقت وجودم، میهن ای میهن				(ص ۱۱۷)
۴۲۱	رَجَز	شعری که در میدان جنگ برای مفاخره می‌خوانند.	-	رَجَذ ☐ رَجَز ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		باصدایی مرتعش، لحنی رجز مانند و دردآلود				(ص ۱۱۰)
۴۲۲	زخمِ کاری	ضربه‌ی مؤثّر یا زخمی که موجب مرگ می‌شود.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		بس که زهر زخم‌ها کاریش				(ص ۱۱۲)
۴۲۳	سورت	تندی و تیزی، حدّت و شدّت	-	سورت ☐ صورت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد.				(ص ۱۰۹)
۴۲۴	ضجّه	ناله و فریاد باصدای بلند، شیون	-	ذجّه ☐ زجّه ☐ ظجّه ☐ ضجّه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		مرد نقّال ازصدایش ضجّه می‌بارید.				(ص ۱۱۴)
۴۲۵	طاق	فرد، یکتا، بی‌همتا	-	طاغ ☐ طاق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		رخش آن طاق عزیز، آن تای بی‌همتا				(ص ۱۱۳)
۴۲۶	عماد	تکیه‌گاه، نگاه‌دارنده؛ آنچه بتوان بر آن (او) تکیه کرد.	معتمد، اعتماد	اِماد ☐ عماد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		دیگر اکنون آن عماد تکیه و امید ایران‌شهر				(ص ۱۱۰)
۴۲۷	عیار	ابزار و مبنای سنجش، معیار	معیار	ایار ☐ عیار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		این عیار مهر و کین مرد و نامرد است				(ص ۱۱۰)
۴۲۸	مرادف	مترادف، هم‌ردیف	ترادف	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		هرکدام می‌خواهند معنای صلح را مرادف اوّل باشند.				(ص ۱۱۵)
۴۲۹	مرتعش	دارای ارتعاش، لرزنده	ارتعاش، رعشه	مرتعش ☐ مرطعش ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		با صدایی مرتعش، لحنی رجزمانند و دردآلود				(ص ۱۱۰)
۴۳۰	منتشا	نوعی عصا که از چوب گره‌دار ساخته می‌شود. برگرفته از نام «منتشا» (شهری در آسیای صغیر	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		چوب‌دستی منتشأ مانند در دستش				(ص ۱۰۹)
۴۳۱	ناورد	نبرد	آورد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		شیرمرد عرصه‌ی ناوردهای هول				(ص ۱۱۰)
۴۳۲	هریوه	هروی، منسوب به هرات (شهری در افغانستان)	هرات	حریوه ☐ هریوه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		آن هریوه‌ی خوب و پاک‌آیین روایت کرد.				(ص ۱۱۰)

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای

					ماندگاری
۴۳۳ هول	وحشت‌انگیر، ترسناک	-	حول ☐ هول ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شیرمرد عرصه‌ی ناوردهای هول (ص۱۱۰)				

واژه‌های داخل متن

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۳۴ بادبرف	کولاک	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بادبرف و سوز وحشتناک (ص۱۰۹)				
۴۳۵ همگنان	همگی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	همگنان را خون گرمی بود. (ص۱۰۹)				
۴۳۶ کین	دشمنی، جنگ	کینه	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	این عیار مهر و کین مرد و نامرد است. (ص۱۱۰)				
۴۳۷ ماخ‌سالار	سالاری ایرانی که مرزبان هرات بود.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یا به قولی ماخ‌سالار آن گرامی مرد (ص۱۱۰)				
۴۳۸ ماث	سر واژه‌ی «مهدی اخوان ثالث»	-	ماس ☐ ماث ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	من که نامم ماث (ص۱۱۰)				
۴۳۹ زر	سپید مو، سالخورده؛ طلا	زرین	ذر ☐ زر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پور زال زر جهان پهلو (ص۱۱۰)				
۴۴۰ جهان پَهلَو	پهلوانِ جهان	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پور زال زر جهان پهلو (ص۱۱۰)				
۴۴۱ خداوند	صاحب	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آن خداوند و سوار رخش بی‌مانند (ص۱۱۰)				
۴۴۲ تگ	تک، ته، عمق و ژرفا	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در تگِ تاریک ژرف چاه پهناور (ص۱۱۲)				
۴۴۳ سِنان	نیزه، سرنیزه	-	صنان ☐ سنان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان گم بود. (ص۱۱۲)				
۴۴۴ تا	لنگه، آنچه در کنار چیزی دیگر کامل می‌شود.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	رخش آن طاق عزیز، آن تای بی‌همتا (ص۱۱۳)				
۴۴۵ تزویر	دورویی، دورنگی و نفاق	مُزوّر (فریبکار، دغل)	تذویر ☐ تزویر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر (ص۱۱۲)				
۴۴۶ شصت‌خم	شصت حلقه، بسیار بلند	-	شست خم ☐ شصت خم ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کان کمند شصت خمّ خویش بگشاید. (ص۱۱۴)				

جفت‌های املایی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۴۷	خوان	سفره، سفره‌ی فراخ و گشاده	-	خان ☐ خوان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خوان هشتم را من روایت می‌کنم اکنون ... (ص ۱۱۰)					
۴۴۸	خان	رئیس	-	خوان ☐ خان ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	رعیت‌زاده بودم، دخترش را خان نداد و من هزاران زخم کهنه داشتم، این زخم هم رویش (حامد عسکری)					
۴۴۹	عیار	ابزار و مبنای سنجش، معیار	معیار	ایار ☐ عیار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	این عیار مهر و کین مرد و نامرد است. (ص ۱۱۰)					
۴۵۰	ایار	ماه سوم رومیان، مطابق با ماه سوم بهار	-	عیار ☐ ایار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	این هنوز اول آزار جهان افروزست باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار (سعدی)					
۴۵۱	شصت	عدد ۶۰	-	شست ☐ شصت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کان کمند شصت خمّ خویش بگشاید. (ص ۱۱۲)					
۴۵۲	شست	انگشت بزرگ و پهن دست یا پا	-	شست ☐ شصت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تیر از کمان چو رفت نیاید به شست باز پس واجب است در همه کاری تأملی (سعدی)					
۴۵۳	سورت	تندی و تیزی، شدت و حدت، سوره‌ی قرآن	-	صورت ☐ سورت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سورتِ سرمای دی بیدادها می‌کرد. (ص ۱۰۹)					
۴۵۴	صورت	سیما، شکل، رخسار، پیکره	صُوَر	صورت ☐ سورت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم به صورت تو نگاری نه دیدم و نه شنیدم (حافظ)					
۴۵۵	زال	پدر رستم	-	ذال ☐ زال ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پور زال زر، جهان پهلو (ص ۱۱۰)					
۴۵۶	ذال	حرف یازدهم الفبا	-	زال ☐ ذال ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	فتنه را نام عافیت کردند دال با ذال قافیت کردند (سنایی)					
۴۵۷	ضال	گمراه	ضلالت	ظال ☐ ضال ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	فغان من همه زین شاعران خیره‌سخن غریق بحر جهالت ز طبع تیره و ضال (ازرقی هروی)					
۴۵۸	هول	وحشت‌انگیز، ترسناک، ترس	هایل	حول ☐ هول ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شیرمرد عرصه‌ی ناوردهای هول (ص ۱۱۰)					
۴۵۹	حول	پیرامون، گرداگرد، قدرت، توانایی	حوالی	هول ☐ حول ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	لشکر آرد او پگه تا حول نیل تا زند بر موسی و قومش سبیل (مولوی)					
۴۶۰	غدر	مکر، فریب، خیانت، بی‌وفایی	غدّار	قدر ☐ غدر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چاه غدر ناجوانمردان (ص ۱۱۲)					

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۶۱	قدر	سرنوشت، تقدیر، توانایی، قدرت، اندازه‌ی هر چیز	تقدیر، مقدر	غدر ☐ قدر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		بلایی که از عشقت آمد به رویم	قضا برنگیرد، قدر برنتابد			(خاقانی)

@pdfkonkour

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس چهاردهم: سی‌مرغ و سیمرغ | گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر!

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۶۲	استغنا	بی‌نیازی؛ در اصطلاح، بی‌نیازیِ سالک از هرچیز جز خدا	غنی	استقنا ☐ استغنا ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بعد از این وادیِ استغنا بُوَد		نه درو دعویّ و نه معنا بود		(ص ۱۲۳)	
۴۶۳	اعانت	یاری دادن، یاری	معونت، عون	اثانت ☐ اعانت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مادرت را اعانت می‌کردم.				(ص ۱۲۸)	
۴۶۴	افسرده	منجمد، سرمازده	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هشت جنّت نیز اینجا مرده‌ای است		هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است		(ص ۱۲۳)	
۴۶۵	اکناف	جمعِ کَنَف، اطراف، کناره‌ها	کنف	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از اطراف و اکناف گیتی آگاهم				(۱۲۰)	
۴۶۶	اولی	شایسته؛ اولی‌تر: شایسته‌تر	اوّل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بدین گرده خوردن اولی‌تر				(ص ۱۲۸)	
۴۶۷	تجرید	در لغت به‌معنای تنهایی گزیدن؛ ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرّب به خداوند؛ در اصطلاح تصوّف، خالی‌شدن قلب سالک از آنچه جز خداست.	تجرد، مجرد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بعد از این وادیِ توحید آیدت		منزل تفرید و تجرید آیدت		(ص ۱۲۳)	
۴۶۸	تَعَب	رنج و سختی	-	طعب ☐ تعب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چون فرود آیی به وادیِ طلب		پیشت آید هر زمانی صد تَعَب		(ص ۱۲۳)	
۴۶۹	تفرید	دل خود را متوجّه حق کردن، دل از علایق بریدن و خواست خود را فدای خواست ازلی کردن، فردشمردن و یگانه دانستن خدا؛ تفرید را عطّار در معنی گم شدن عارف در معروف به‌کار می‌برد.	فرد، مفرد	طفرید ☐ تفرید ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بعد از این وادیِ توحید آیدت		منزل تفرید و تجرید آیدت		(ص ۱۲۳)	
۴۷۰	دعوی	ادّعا، ادّعای خواستن یا داشتن چیزی؛ معنی و دعوی دو مفهوم متقابل و متضادند. معنی، حقیقتی است که نیاز به اثبات ندارد و دعوی لافی است تهی از معنی.	ادعا، مدعی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بعد از این وادیِ استغنا بُوَد		نه درو دعویّ و نه معنا بُود		(ص ۱۲۳)	
۴۷۱	زاد	توشه، خوردنی و آشامیدنی که در سفر همراه می‌بَرَند.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	با ایشان از وجهِ زاد و توشه، گِرده‌ای بیش نبود.				(ص ۱۲۸)	

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای

					ماندگاری
۴۷۲	سروش	پیام‌آور، فرشته‌ی پیام‌آور	-	-	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	در خواب سروش غیبی به آنها گفت. (ص۱۲۵)				
۴۷۳	شگرف	قوی، نیرومند	-	-	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	شیرمردی باید این ره را شگرف زان که ره دور است و دریا ژرف (ص۱۲۰)				
۴۷۴	شیدا	عاشق، دلداده	-	-	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	مرغان جملگی شیدا و دل باخته گشتند. (ص۱۲۲)				
۴۷۵	صدر	طرف بالای مجلس، مجازاً ارزش و اعتبار	صدارت، مصدر	سدر☐ صدر☐	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	هر یکی بینا شود بر قدر خویش بازیابد در حقیقت صدر خویش (ص۱۲۳)				
۴۷۶	کلان	دارای سنّ بیش‌تر	-	-	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	از شما بسیار کلان‌ترم. (ص۱۲۸)				
۴۷۷	گرم‌رو	مشتاق، به شتاب رونده و چالاک،	-	-	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم رو، سوزنده و سرکش بود (ص۱۲۲)				
۴۷۸	گِرده	قرص نان، نوعی نان	-	-	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	بدین گِرده خوردن اولی‌تر (ص۱۲۸)				
۴۷۹	مخاصمت	دشمنی، خصومت	خصم، خصومت	مخاسمت☐ مخاصمت☐	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	میان ایشان از برای گِرده مخاصمت رفت. (ص۱۲۸)				
۴۸۰	مصاحبت	هم‌نشینی، هم‌صحبت داشتن	صحبت	مثاحبت☐ مصاهبت☐ مصاحبت☐	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	اشتری و گرگی و روباهی از روی مخاصمت مسافرت کردند. (ص۱۲۸)				
۴۸۱	مقالات	جمعِ مقالت، گفتارها، سخنان	مقالت	مغالات☐ مقالات☐	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	اشتر چون مقالات گرگ و روباه بر آن‌گونه شنید. (ص۱۲۸)				
۴۸۲	وادی	سرزمین	-	-	☐☐☐ ☐☐☐ .....
نمونه در متن	گفت ما را هفت وادی در ره است چون گذشتی هفت وادی، درگه است (ص۱۲۲)				

واژه‌های داخل متن

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۸۳	اقلیم	کشور، سرزمین، مرز و بوم	-	اغلیم☐ اقلیم☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چون بُوَد کاقلیم ما را شاه نیست؟ بیش ازین بی شاه بودن راه نیست (ص۱۲۰)					
۴۸۴	افسر	تاج، دیهیم	-	افصر☐ افسر☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	افسری بر سر داشت. (ص۱۲۰)					

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۸۵	**قضا را**	از قضا، به شکل پیش‌بینی‌نشده	-	قضا را☐ غذا را☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**قضا را قرعه به نام هدهد افتاد.**				(ص۱۲۲)
۴۸۶	**بوم**	جغد، سرزمین، پرده‌ی نقاشی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه**		**آنجاست جلوه‌گاهم، این‌جا چه کار دارم؟**		(ص۱۲۷)
۴۸۷	**باغ قدس**	رضوان، بهشت	مقدس	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه**		**آنجاست جلوه‌گاهم، این‌جا چه کار دارم؟**		(ص۱۲۷)

جفت‌های املایی

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۴۸۸	**خویش**	خود، افراد خانواده و خاندان	-	خیش☐ خویش☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**هر یکی بینا شود بر قدر خویش**		**بازیابد در حقیقت صدر خویش**		(ص۱۲۳)
۴۸۹	**خیش**	گاوآهن	-	خویش☐ خیش☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**کشیده پیل به سفت و گرفته داسه به دست**		**نهاده خیش به گاو و فکنده خوره به خر**		(قاآنی)
۴۹۰	**عَلَف**	گیاه سبز، خوراک چهارپایان	علوفه	اَلَف☐ عَلَف☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**در بیابان‌های بی آب و علف در جست‌وجوی سیمرغ سرگردان شوم؟**				(ص۱۲۱)
۴۹۱	**اَلِف**	از حروف الفبا	الفت، مؤلف، ائتلاف	اَلِف☐ عَلِف☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**کسی که با تو دلش چون الف نباشد راست**		**ز هیبت تو شود قامتش خمیده چو دال**		(امیر معزی)
۴۹۱	**اِلف**	هزار	الفت، مؤلف، ائتلاف	اِلف☐ عَلِف☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**به احسانی آسوده کردن دلی**		**به از الف رکعت به هر منزلی**		(سعدی)
۴۹۱	**اِلف**	خو گرفتن، انس گرفتن، دوستی	الفت، مؤلف، ائتلاف	اِلف☐ عَلِف☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**نزدیک وی می‌باش که وی را با تو الفی تمام است.**				(تاریخ بیهقی)
۴۹۲	**قضا**	تقدیر، سرنوشت، دادرسی، داوری، حکم کردن	قضاوت، قضائیه	قضا☐ غضا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**قضا را قرعه به نام هدهد افتاد.**				(ص۱۲۲)
۴۹۳	**غذا**	خوردنی، خوراک	تغذیه، مغذّی	غزا☐ غذا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**هنوزت بوی شیر از غنچه‌ی سیراب می‌آید**		**که بود از شیره‌ی جانم غذای چشم خون‌خوارت**		(محتشم کاشانی)
۴۹۴	**غزا**	جنگ، جدال، نبرد	غزوه، غازی، غزو	غذا☐ قضا☐ غزا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**نیست آن مردانگی کاندر غزا کافر کشی**		**درصف عشاق خود را کشتن از مردانگی‌ست**		(امیرخسرو دهلو
۴۹۵	**عالی**	بلند، رفیع، شریف	عُلیا، مُعَلّی	آلی☐ عالی☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		**چون بتابد آفتاب معرفت**		**از سپهر این ره عالی**	**صفت**	(ص۱۲۳)

درس پانزدهم: درس آزاد (ادبیات بومی ۲)

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۰۱	-	-	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن						

درس شانزدهم: کباب غاز — روان‌خوانی: ارمیا

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۰۱	آزگار	زمانی دراز؛ ویژگیِ آنچه بلند و طولانی به‌نظر می‌آید.	-	آزگار☐ آذگار☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	این بدبخت‌ها سال آزگار یک بار برایشان چنین پایی می‌افتد. (ص۱۳۲)					
۵۰۲	آسمان‌جُل	کنایه از فقیر، بی‌چیز، بی‌خانمان؛ جُل: پوشش به معنای مطلق	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	لات و لوت و آسمان‌جُل و بی‌دست و پا و پخمه (ص۱۳۳)					
۵۰۳	استشاره	رای‌زنی، مشورت، نظرخواهی	مشورت، مشاور	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پس از مدتی اندیشه و استشاره چاره‌ی منحصربه‌فرد را در این دیدم. (ص۱۳۴)					
۵۰۴	استیصال	ناچاری، درماندگی	-	استیثال☐ استیصال☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	با حال استیصال پرسیدم. (ص۱۳۴)					
۵۰۵	اطوار	رفتار یا سخنی ناخوشایند و ناهنجار	-	اتوار☐ اطوار☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ادا و اطوارهای معمولی خودش که در تمام مدّت ناهار اثری از آن هویدا نبود. (ص۱۴۰)					
۵۰۶	اعلا	برتر، ممتاز، نفیس، برگزیده از هر چیز	علی، معلی	اعلی☐ اعلا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	علاوه بر غاز معهود، آش جو اعلا و کباب برّه‌ی ممتاز و دو رنگ پلو و چند جور خورش با تمام مخلّفات روبه‌راه شده است. (ص۱۳۲)					
۵۰۷	امتناع	خودداری، سرباز زدن از انجام کاری یا قبول کردن سخنی	منع، ممنوع	امتناع☐ امطناع☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تو بیشتر ابا و امتناع می‌ورزی (ص۱۳۶)					
۵۰۸	انضمام	ضمیمه کردن؛ به انضمام: به ضمیمه‌ی، به همراهِ	ضمیمه، ضمایم	انظمام☐ انضمام☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دیروز یک‌دست از بهترین لباس‌های نودوز خود را با کلّیه‌ی متفرّعات به انضمام مایحتوی، یعنی آقای استادی مصطفی‌خان، به‌دست چلاق‌شده‌ی خودم از خانه بیرون انداخته‌ام. (ص۱۴۰)					
۵۰۹	بادی	آغاز (در اصل به معنیِ آغازکننده است)	ابتدا، مبتدی		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	این حرف که در بادی امر زیاد بی‌پا و بی‌معنی به‌نظر می‌آمد. (ص۱۳۴)					
۵۱۰	بحبوحه	میان، وسط	-	بهبوهه☐ بحبوحه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در همان بحبوحه‌ی بخور بخور که منظره‌ی فنا و زوال غاز خدا بیامرز... (ص۱۳۹)					

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

۵۱۱	**بدقواره**	آن‌که یا آنچه ظاهری زشت و نامتناسب دارد؛ بدترکیب	-	بدقواره ☐ بدغواره ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**لات و لوت و آسمان‌جُل و بی دست و پا و پخمه و تا بخواهی بدریخت و بدقواره** (ص۱۳۳)					
۵۱۲	**بذله**	شوخی، لطیفه	مبتذل	بزله ☐ بذله ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**در خوش‌زبانی و حرّافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده** (ص۱۳۷)					
۵۱۳	**برجک**	سازه‌ی چرخانی که روی تانک قرار دارد و به کمک آن می‌توان جهت شلیک توپ را تغییر داد.			.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**برجکش را زد.** (ص۱۴۶)					
۵۱۴	**بقولات**	انواع دانه‌های خوراکی بعضی گیاه مانند نخود و عدس، حبوبات	بقل	بغولات ☐ بقولات ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**چنگال به دست با یک خروار گوشت و پوست و بقولات و حبوبات در کشمکش و تلاش بوده‌اند** (ص۱۳۹)					
۵۱۵	**بلامعارض**	بی‌رقیب	تعارض	بلامعارظ ☐ بلامعارض ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**مجلس‌آرای بلامعارض شده است.** (ص۱۳۷)					
۵۱۶	**بَلعتُ**	فرو بُردم، بلعیدم؛ صرف کردنِ صیغه‌ی بَلّعتُ: خوردن	-	بَلأت ☐ بَلّعتُ ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**در صرف کردن صیغه‌ی بَلّعتُ اهتمام تامّی داشتند.** (ص۱۳۶-۱۳۷)					
۵۱۷	**پاپی‌شدن**	در امری اصرار ورزیدن			.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن						
۵۱۸	**پتیاره**	زشت و ترسناک	-	پطیاره ☐ پتیاره ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون و شقاوت مردم دون و مکر و فریب جهان پتیاره و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود.** (ص۱۳۹)					
۵۱۹	**پرت و پلا**	بیهوده، بی‌معنی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**دیدم زیاد پرت و پلا می‌گوید.** (ص۱۳۴)					
۵۲۰	**ترفیع**	ارتقا یافتن، رتبه گرفتن	رفیع، ارتفاع	ترفیه ☐ ترفیع ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**هرکس اول ترفیع رتبه یافت، به‌عنوان ولیمه کباب غازصحیحی بدهد.** (ص۱۳۲)					
۵۲۱	**تصدیق**	تأیید کردن درستیِ حرف یا عملی گواهی دادن به صحّت امری	صدق،صادق	تسدیق ☐ تصدیق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**همه‌ی حضّار یکصدا تصدیق کردند.** (ص۱۳۷)					
۵۲۲	**تصنّعی**	ساختگی	مصنوع،صنعت	تسنّعی ☐ تصنّعی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**آنگاه باصورتی که گویی قشری از خنده‌ی تصنّعی روی آن کشیده باشند.** (ص۱۴۰)					
۵۲۳	**تک و پوز**	دک و پوز، به طنز سر وصورت	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	**تک و پوزش کریه‌تر شده است.** (ص۱۳۳)					

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

توشه‌ای برای موفقیت

@pdfkonkour

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۲۴	تنبوشه	لوله‌ی سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار می‌گذارند تا آب از آن عبور کند.	-	☐طنبوشه ☐تنبوشه	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	گویی حنجره‌اش دو تنبوشه داشت. (ص۱۳۷)					
۵۲۵	تیربار	سلاح خودکار آتشین	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مصطفی، این روی برجکش تیربار دارد. (ص۱۴۵)					
۵۲۶	جبهه	پیشانی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یکی از حضّار که کتابه‌ی شعر و ادب می‌کشید، چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه‌ی شاعر را بوسیده. (ص۱۳۷)					
۵۲۷	جیر	نوعی چرم دباغی‌شده با سطح نرم و پرزدار	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مصطفی با لباس تازه و جوراب و کراوات ابریشمی ممتاز و پوتین جیر برّاق، خرامان مانند طاووس مست وارد شد. (ص۱۳۷)					
۵۲۸	چُلمَن	آن‌که زود فریب می‌خورد، هالو؛ بی‌عُرضه، دست و پا چُلفتی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	گرچه زیاد کودن و بی‌نهایت چلمن است. (ص۱۳۴)					
۵۲۹	حضّار	حاضران	حاضر، حضور	☐حظّار ☐حضّار	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یکی از حضّار که کتابه‌ی شعر و ادب می‌کشید. (ص۱۳۷)					
۵۳۰	حلقوم	حلق و گلو	-	☐هلقوم ☐حلقوم	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	صدایش بریده‌بریده از نی‌پیچ حلقوم بیرون آمد. (ص۱۳۴)					
۵۳۱	خرت و پرت	مجموعه‌ای از اشیاء، وسایل و خرده‌ریزهای کم‌ارزش	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ابداً اجازه‌ی خریدن خرت و پرت تازه نمی‌دهد. (ص۱۳۲)					
۵۳۲	خرخره	گلو، حلقوم	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	من که شخصاً تا خرخره خورده‌ام. (ص۱۳۸)					
۵۳۳	خورد رفتن	ساییده شدن و از بین رفتن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	سر زانوهای شلوارش که از بس شسته بودند، به قدر یک وجب خورد رفته بود. (ص۱۳۳)					
۵۳۴	خمره	ظرفی به شکل خُم و کوچک‌تر از آن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مانند موشی که از خمره‌ی روغن بیرون کشیده باشند. (ص۱۴۰)					
۵۳۵	خفایا	جمعِ خفیه، مخفیگاه	مخفی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	کم‌کم وقتی درست آن را در زوایا و خفایای خاطر و مخیّله نشخوار کردم. (ص۱۳۴)					
۵۳۶	خوش‌مشربی	خوش‌مشرب بودن؛ خوش‌معاشرتی و خوش‌صحبتی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از خوش مشربی و فضل و کمال او چیزها گفتند. (ص۱۴۰)					
۵۳۷	درزی	خیّاط	-	☐درذی ☐درزی	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	گویی جامه‌ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته است. (ص۱۳۷)					

۵۳۸	دُوری	بشقاب گردِ بزرگ معمولاً با لبه‌ی کوتاه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	بفرمایید همینطور این دوری را برگردانند. (ص ۱۳۶)					
۵۳۹	دیلاق	دراز و لاغر	-	دیلاغ☐ دیلاق☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	جوان دیلاقی مصطفی نام، آمده می‌گوید پسرعموی تنی توست. (ص ۱۳۳)					
۵۴۰	سرسرا	محوّطه‌ای سقف‌دار در داخل خانه‌ها که درِ ورودی ساختمان به آن باز می‌شود و از آن‌جا به اتاق‌ها یا قسمت‌های دیگر می‌روند. هال، لابی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در آن اثناصدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد. (ص ۱۳۷)					
۵۴۱	سکندری	حالت انسان که بر اثر برخورد با مانع، کنترل خود را از دست بدهد و ممکن است به زمین بیفتد.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دو سه بار سکندری خورد و به زمین افتاد. (ص ۱۴۶)					
۵۴۲	شبان	چوپان	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	گلّه‌ی ما را گِله از گرگ نیست کاین همه بیداد شبان می‌کند (ص ۱۴۲)					
۵۴۳	شخیص	بزرگ و ارجمند	-	شخیث☐ شخیص☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در مقابل تظاهرات شخص شخیصی چون آقای استاد دودل مانده بودند. (ص ۱۳۸)					
۵۴۴	شرفیاب‌شدن	آمدن به نزد شخص محترم و عالی‌قدر، به حضور شخص محترمی رسیدن	مشرف	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	برای عیدمبارکی شرفیاب شده است. (ص ۱۳۳)					
۵۴۵	شش‌دانگ	به‌طور کامل، تمام	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شش‌دانگ حواسم پیش مصطفی است. (ص ۱۳۸)					
۵۴۶	شکوم	شُگون؛ میمنت، خجستگی، چیزی را به فال نیک گرفتن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مگر نمی‌دانی که شکوم ندارد. (ص ۱۳۲)					
۵۴۷	شیءٌ عُجابٌ	اشاره به آیه‌ی «اِنَّ هذا لَشَیءٌ عُجابٌ» (سوره‌ی ص/آیه‌ی ۵؛ معمولاً برای اشاره به امری شگفت به‌کار می‌رود).	اشیاء عجیب	شیءٌ اُجابٌ☐ شیءٍ عُجابٌ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مشغول تماشا و وارانداز این مخلوق کمیاب و شیءٌ عُجابٌ بودم. (ص ۱۳۳)					
۵۴۸	صله‌ی ارحام	به دیدار خویشاوندان رفتن و از آنان احوالپرسی کردن	صله‌ی رحم	سله‌ی ارحام☐ صله‌ی ارهام☐ صله‌ی ارحام☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چنین روز مبارکی صله‌ی ارحام نکنی، کی خواهی کرد؟ (ص ۱۳۳)					
۵۴۹	عاریه	آنچه به امانت بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.	عاریت	آریه☐ عاریه☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از منزل یکی از دوستان و آشنایان یک دست دیگر ظرف و لوازم عاریه بگیریم؟ (ص ۱۳۲)					

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

۵۵۰	**علّامه**	آن‌که درباره‌ی رشته‌ای از معارف بشری دانش و آگاهی بسیار دارد.	عالم، علم	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن					
۵۵۱	**غلیان**	جوشش عواطف و احساسات، شدت هیجان عاطفی	-	قلیان☐ غلیان☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**برای به‌جا آمدن احوال و تسکین غلیان درونی در حیاط قدم زده**				(ص۱۴۰)
۵۵۲	**قطعهٔ بعد أخری**	تکّه‌ای بعد از تکّه‌ی دیگر	قطعات	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**غاز گلگونم لخت‌لخت و قطعهٔ بعد أخری طعمه‌ی این جماعت کرکس‌صفت شده**				(ص۱۳۹)
۵۵۳	**کاهدان**	انبارِ کاه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**کاه از خودمان نیست، کاهدان که از خودمان است.**				(ص۱۳۶)
۵۵۴	**کان لم یکن شیئاً مذکوراً**	بخشی از آیه‌ی اول سوره‌ی دهر است به معنی «چیزی قابل ذکر نبود»	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**کأن لَم یَکُن شیئاً مذکوراً**				(ص۱۳۹)
۵۵۵	**کبّاده**	وسیله‌ای کمانی‌شکل در زورخانه از جنس آهن که در یک طرف آن رشته‌ای از زنجیر یا حلقه‌های آهنی متعدّد قرار دارد؛ کبّاده‌ی چیزی را کشیدن: ادّعای چیزی داشتن، خواستار چیزی بودن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**یکی از حضّار که کبّاده‌ی شعر و ادب می‌کشید.**				(ص۱۳۷)
۵۵۶	**کتل**	پشته، تپّه	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**گوشت و استخوان غاز مادر مرده مانند گوشت و استخوان شتر قربانی در کمرکش دوازده حلقوم و کتل و گردنه‌ی یک دوجین شکم ...**				(ص۱۳۹)
۵۵۷	**کلاشینکُف**	سلاحی در انواع خودکار و نیمه خودکار، برگرفته از نام اسلحه‌ساز روسی.	-	کلاشینکوف☐ کلاشینکف☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**با کلاشینکف می‌خواست برود تانک بزند.**				(ص۱۴۳)
۵۵۸	**کَلَک**	آتشدانی از فلز یا سفال؛ کَلَک چیزی را کندن: خوردن یا نابود کردن چیزی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**چنان کلکش را کندند که گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود ننهاده بود.**				(ص۱۳۹)
۵۵۹	**کُنده**	تنه‌ی بریده‌شده‌ی درخت که شاخ و برگ آن قطع شده است؛ هیزم	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**دود هنوز از کُنده بلند می‌شود.**				(ص۱۴۵)
۵۶۰	**لطیفه**	گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ای باریک	لطایف	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**در خوش‌زبانی و حرّافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده.**				(ص۱۳۷)

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۶۱	**ماسیدن**	کنایه از به انجام رسیدن، به ثمر رسیدن	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐

نمونه در متن	دیدم توطئه‌ی ما دارد می‌ماسد.				(ص۱۳۸)
۵۶۲ ما یتعلّق به	آنچه بدان وابسته است.	تعلق، متعلق	مایتعلغ به ☐ مایتعلق به ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	پنج‌انگشت دعاگو به معیّت مچ و کف و مایتعلّقُ بِه، بر روی صورت گل انداخته‌ی آقای استادی نقش بست.				(ص۱۴۰)
۵۶۳ ما یحتوی	آنچه درون چیزی است.	محتوی	مایهتوی ☐ مایحتوی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یک دست از بهترین لباس‌های نوروز خود را با کلیّه‌ی متفرّعات به انضمام مایحتوی ...				(ص۱۴۰)
۵۶۴ متفرّعات	شاخه‌ها، شعبه‌ها	فرع، فرعی	متفرّئات ☐ متفرّعات ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یک دست از بهترین لباس‌های نوروز خود را با کلیّه‌ی متفرّعات به انضمام مایحتوی ...				(ص۱۴۰)
۵۶۵ متکلّم وحده	آن‌که در جمعی تنها کسی باشد که سخن می‌گوید.	تکلّم، واحد	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	متکلّم وحده و مجلس‌آرای بلامعارض شده است.				(ص۱۳۷)
۵۶۶ مجلس‌آرا	آن‌که با حضور خود سبب رونق مجلس و شادی یا سرگرمی حاضران آن می‌شود؛ بزم‌آرا	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مجلس‌آرای بلامعارض شده است.				(ص۱۳۷)
۵۶۷ محظور	مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل؛ در محظورا گیر کردن: گرفتاری پیدا کردن در مقابل امر ناخوشایند قرار گرفتن	-	محضور ☐ محظور ☐ مهظور ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مهمان‌ها سخت در محظور گیر کرده				(ص۱۳۸)
۵۶۸ محظوظ	بهره‌ور	حظ	محضوظ ☐ محظوظ ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چنان محظوظ گردیده بود.				(ص۱۳۷)
۵۶۹ مخلّفات	چیزهایی که به یک ماده‌ی خوردنی اضافه می‌شود.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	چند جور خورش با تمام مخلّفات روبه‌راه شده است.				(ص۱۳۲)
۵۷۰ مضغ	جویدن	-	مضغ ☐ مظغ ☐ مضق ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مراحل مضغ و بلع و تحلیل را پیموده				(ص۱۳۹)
۵۷۱ معهود	عهدشده، شناخته شده، معمول	عهد	مأهود ☐ معهود ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	علاوه بر غاز معهود، آش جو اعلاء و کباب برّه‌ی ممتاز و دو رنگ پلو و چند جور خورش با تمام مخلّفات روبه‌راه شده است.				(ص۱۳۲)
۵۷۲ معوج	کج	-	مأوج ☐ معوج ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مصطفی قدّ دراز و کج و معوجش را روی صندلی مخمل جا داد.				(ص۱۳۶)
۵۷۳ نامعقول	آنچه از روی عقل نیست؛ برخلاف عقل	عقل، تعقل	نامعقول ☐ نامغول ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	معلوم شد آن‌قدرها هم نامعقول نیست.				(ص۱۳۴)
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری

۵۷۴	واترقیدن	تنزّل کردن، پس‌روی کردن	-	واترغیدن ☐ واترقیدن ☐ واطرقیدن ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دیدم ماشاءالله چشم بد دور آقا واترقیده‌اند.					(ص۱۳۳)
۵۷۵	وجنات	صورت، چهره	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آثار شادی در وجناتش نمودار گردید.					(ص۱۳۶)
۵۷۶	ولیمه	طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به‌عنوان ولیمه کباب غازصحیحی بدهد.					(ص۱۳۲)
۵۷۷	هم‌قطار	هریک از دو یا چند نفری که از نظر درجه، رتبه و یا موقعیت اجتماعی در یک ردیف هستند.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در اداره با هم‌قطارها قرار و مدار گذاشته بودیم.					(ص۱۳۲)
۵۷۸	هویدا	روشن، آشکار	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	با همان صدای بریده و زبان گرفته و ادا و اطوارهای معمولی خودش که در تمام مدّت ناهار اثری از آن هویدا نبود.					(ص۱۴۰)

واژه‌های داخل متن

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۷۹	مالیه	امور مالی، اداره‌ی دارایی	مالی، مال	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در این شب عیدی مالیه از چه قرار است.					(ص۱۳۲)
۵۸۰	کریه	زشت، ناپسند	کراهت، مکروه، اِکراه	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	قدش درازتر و تک و پوزش کریه‌تر شده است.					(ص۱۳۳)
۵۸۲	وبال	سختی و عذاب	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	وبال جانت می‌گردیم.					(ص۱۳۶)
۵۸۳	متانت	وقار و سنگینی، طمأنینه	متن	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آقای مصطفی‌خان با کمال متانت، تعارفات معمولی را برگزار کرده.					(ص۱۳۷)

جفت‌های املایی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۸۴	غول	موجود افسانه‌ای با هیکل درشت و ترسناک، بسیار بزرگ	-	قول ☐ غول ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شرّ این غول بی شاخ و دم را از سر ما بکَن.					(ص۱۳۳)
۵۸۵	قول	سخن، کلام، گفتار	قال، مقاله	قول ☐ غول ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به مجلس تو ز بی‌دانشی سخن گوید	به فضل خویش نگر تو، به قول او منگر				(عنصری)

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۸۶	مُهلَت	زمان مشخصبرای انجام کاری،	امهال	مهلت ☐ محلت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐

		اجل			
نمونه در متن	ولی مهلتش نداده گفتم.				(ص۱۳۶)
۵۸۷ مَحَلّت	محله، کوی، برزن	محل	محلّت ☐ مهلّت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تا اوحدی مجال سگ کوی دوست یافت در هر محلتی که رود ماجرای اوست				(اوحدی مراغه‌ای)
۵۸۸ اِصرار	پافشاری کردن، الحاح	مُصر	اِسرار ☐ اِصرار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از من همه اصرار بود و از مصطفی انکار.				(ص۱۳۹)
۵۸۹ اَسرار	جمع سِر، رازها	سِرّ	اَسرار ☐ اَصرار ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به حیرتم ز که اسرار هیپنوتیسم آموخت فقیه شهر که بیدار را به خواب کند				(ایرج میرزا)
۵۹۰ امارت	امیر شدن، فرمانروایی، نشانه	امر، مأمور، امیر	اِمارت ☐ عمارت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تو را به هرچه کنی سر نهاده‌ایم و مرادت مسلّم است که صاحب‌ولایتی و امارت				(نزاری قهستانی)
۵۹۱ عمارت	بنا، ساختمان، آبادانی	عمران، تعمیر، معمور	اِمارت ☐ عمارت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در آن اثناصدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.				(ص۱۳۷)
۵۹۲ اسیر	گرفتار، زندانی	اسارت، اسرا	اثیر ☐ اصیر ☐ اسیر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	توی راه اسیر نگیری‌ها				(ص۱۴۶)
۵۹۳ عصیر	شیره و چکیده‌ی چیزی، شراب	عصاره	اسیر ☐ اصیر ☐ عصیر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	شراب تاک ننوشم دگر ز خمّ عصیر شراب پاک خورم زین سپس ز خم غدیر				(قاآنی)
۵۹۴ اثیر	کره‌ی آتشی که از دید گذشتگان بالای کره‌ی هوا بود، آسمان، روح	-	اثیر ☐ اصیر ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ز جسم و طبع تو بردند پایه و مایه چه بر اثیر و چه بر بحرِ اخضر آتش و آب				(امیر معزی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس هفدهم: خنده‌ی تو

گنج حکمت: مسافر

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۹۷	آخته	بیرون کشیده، برکشیده	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	برای دستان من شمشیری است آخته				(ص ۱۵۰)
۵۹۸	دستاورد	نتیجه، پیامد، حاصل آنچه با تلاش به‌دست آید.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	به پیش اهل دل، گنجی‌ست شادی	که دستاورد بی‌رنجی‌ست شادی			(ص ۱۵۳)
۵۹۹	ذی‌حیات	دارای حیات، زنده، جاندار	-	ذی حیات ☐ زی حیات ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	دیگر در آن ذی‌حیاتی نفس نمی‌کشد.				(ص ۱۵۴)
۶۰۰	سرحد	مرز، کرانه	حدود، محدوده	سرحد ☐ سرهد ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	بدان سرزمین که خداوند سرحدّ جهان خلقتش قرار داده است.				(ص ۱۵۴)
۶۰۱	غایی	منسوب به غایت، نهایی	غایت	قایی ☐ غایی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	تا به سر منزل غایی سفر خود برسند.				(ص ۱۵۴)

جفت‌های املایی

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۵۹۵	زی	بن مضارعِ زیستن؛ سویِ، به سویِ	-	زی ☐ ذی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	بدیدم زردرویش گرم و لرزان	چو خورشیدی که زی مغرب سفر کرد			(خاقانی)
۵۹۶	ذی	صاحبِ، دارای	ذو، ذا	ذی ☐ زی ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	در آن ذی‌حیاتی نفس نمی‌کشد.				(ص ۱۵۴)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

درس هجدهم: عشق جاودانی | روان‌خوانی: آخرین درس

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۶۲۱	ابهَت	بزرگی و شکوه که سبب احترام یا ترس دیگران می‌شود.	-	ابهت ☐ ابحت ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**تمام اتاق درس را ابهَت و شکوهی که مخصوص مواقع رسمی است فرا گرفته بود.**				(ص ۱۵۸)
۶۲۲	اعلان	آشکار کردن چیزی و باخبر ساختن مردم از آن	علنی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**اعلانی را که بر دیوار بود، می‌خوانند.**				(ص ۱۵۷)
۶۲۳	اهتمام	کوشش، سعی	همت	احتمام ☐ اهتمام ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**اهتمام نورزیده‌اند.**				(ص ۱۵۹)
۶۲۴	بیشه	زمینی که در آن به‌طور طبیعی گیاهان خودرو و درخت روییده باشد.	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**مرغان در بیشه زمزمه‌ای داشتند.**				(ص ۱۵۷)
۶۲۵	تسکین	آرامش، آرام‌کردن	ساکن، اسکان	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**خاطرم تسکین یافت.**				(ص ۱۵۷)
۶۲۶	تناور	دارای پیکرِ بزرگ و قوی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**اکنون درختانی تناور شده بودند.**				(ص ۱۶۱)
۶۲۷	جلی	ویژگی خطّی که درشت و واضح باشد و از دور دیده شود.	تجلی	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**با خطی جلی نوشت.**				(ص ۱۶۲)
۶۲۸	سجایا	جمعِ سجیه، خوها، خُلق‌ها و خصلت‌ها	سجیه	صجایا ☐ سجایا ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند.**				(ص ۱۵۵)
۶۲۹	صحیفه	کتاب	مصحف	صهیفه ☐ صحیفه ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**که همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه‌ی شعر خود می‌گرداند.**				(ص ۱۵۵)
۶۳۰	عتاب	سرزنش، ملامت، تندی	-	اتاب ☐ عتاب ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلّم واقع گردم.**				(ص ۱۵۷)
۶۳۱	غَرس	نشاندن و کاشتن درخت و گیاه	-	غرث ☐ غرص ☐ غرس ☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**در هنگام ورود خویش در باغ غَرس کرده بود.**				(ص ۱۶۱)
۶۳۲	کتابت	نوشتن، تحریر، خوشنویسی	کتاب، کتب	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**نوبت تحریر و کتابت رسید.**				(ص ۱۶۱)
۶۳۳	کفایت	کافی، بسنده	کافی، اکتفا	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
	نمونه در متن	**به قدر کفایت متنبّه شده‌ای**				(ص ۱۵۹)
۶۳۴	متنبّه‌شدن	به زشتی عمل خود پی‌بردن و پند	تنبیه	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐

نمونه در متن	به قدر کفایت متنبّه شده‌ای				(ص۱۵۹)
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۶۳۵ مخیّله	خیال، قوّه‌ی تخیّل، ذهن	خیال، تخیّل	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	آیا چیزی از مخیّله‌ی آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد.				(ص۱۵۵)
۶۳۶ معمَر	سالخورده	عمر	مُأمَر☐ مُعمَر☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	یکی از مردان معمّر دهکده که کتاب را بر روی زانو گشوده بود.				(ص۱۶۱)

واژه‌های داخل متن

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۶۰۲ برزن	کوی و محلّه	-	برذن☐ برزن☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	غلغله‌ی آنها به کوی و برزن می‌رفت.				(ص۱۵۷)
۶۰۳ رُعب	ترس و هراس	مرعوب (ترسیده)	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	معلّم با همان چوب رعب‌انگیز که همواره در دست داشت.				(ص۱۵۷)
۶۰۴ ژنده	کهنه و فرسوده، پیر، بزرگ و کلا	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	معلّم لباس ژنده‌ی معمول هر روز را بر تن ندارد.				(ص۱۵۷)
۶۰۵ ستبر	کلفت، غلیظ، فربه	-	ستبر☐ صتبر☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	از پس عینک درشت و ستبر به حروف و خطوط آن می‌نگریست.				(ص۱۵۸)
۶۰۶ ضمیر	درون آدمی، باطن	مضمر	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	ازصفحه‌ی ضمیرم یکباره محو کرد.				(ص۱۵۸)
۶۰۷ مقهور	شکست‌خورده، مغلوب	قهر	مقحور☐ مقهور☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	مغلوب و مقهور بیگانه گردد.				(ص۱۵۹)
۶۰۸ اهتزاز	تکان خوردن و جنبیدن، شادمانی کردن	-	احتزاز☐ اهتزاز☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	درفش ملی ما را به اهتراز درآورده باشند.				(ص۱۶۱)
۶۰۹ اثنا	میانه‌ها، وسط‌ها، هنگام	-	اسنا☐ اثنا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	در این اثنا وقت به آخر آمد.				(ص۱۶۲)
۶۱۰ مهابت	شکوه ترس‌آمیز، ابهّت، صولت، جب	مهیب	محابت☐ مهابت☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هرگز وی در نظرم چنان پرمهابت و با عظمت جلوه نکرده بود.				(ص۱۶۲)

جفت‌های املایی

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۶۱۱ رسا	رسنده، بالغ، بلند	-	رثا☐ رسا☐ رصا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	تا بتوانم باصدای رسا و بیان روشن درس دستور را که بدان دشواری بوده از بر بخوانم.				(ص۱۵۹)

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۶۱۲	رثا	شعر گفتن درباره‌ی مرگ کسی با اظهار دلسوزی	مرثیه	رصا☐ رثا☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		حد تو رثا نیست، عزای تو حماسه است ای کاسه شأن تو از این معرکه گیران (حسین منزوی)				
۶۱۳	خویش	خود، افراد خانواده و خاندان	-	خویش☐ خیش☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		آن‌گاه سر خویش گرفتم. (ص۱۵۷)				
۶۱۴	خیش	گاوآهن	-	خیش☐ خویش☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		کسی خیشی نبُرد از ده به مزرع سگ گلّه به عوعو درنیامد (احمد شاملو)				
۶۱۵	قُرص	آسوده، راحت؛ محکم، سخت؛ آنچه دارای شکل کمابیش شبیه دایره باشد؛ فرمی از دارو	-		.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		شعر فردوسی، دقیقی‌وار بود فرقش اندر قرصی اشعار بود (ملک‌الشعرا. بها)				
۶۱۶	غَرس	نشاندن و کاشتن درخت	-	غرس☐ غرص☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		نهالی چند که وی در هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود. (ص۱۶۱)				
۶۱۷	نواحی	ناحیه‌ها	ناحیه	نواهی☐ نواحی☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		در مدارس این نواحی، زبانی جز زبان خود آنها تدریس نشود. (ص۱۵۸)				
۶۱۸	نواهی	امور نهی‌شده و ناپسند	نهی	نواحی☐ نواهی☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		همه در فرمان و متابعت او بودندی، و اوامر و نواهی او را در حل و عقد امتثال نمودندی. (نصرالله منشی)				
۶۱۹	مغلوب	شکست خورده	غلبه، غالب	مقلوب☐ مغلوب☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		مغلوب و مقهور بیگانه گردد. (ص۱۵۹)				
۶۲۰	مقلوب	جابه‌جا شده	انقلاب، تقلّب، قلب	مقلوب☐ مغلوب☐	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن		بقایی نیست هیچ اقبال را چند آزمودستی خود اینک لابقا مقلوب اقبال است برخوانش (خاقانی)				

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

نیایش: لطف تو

	واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
۶۳۷	افسرده	بی‌بهره از معنویت، بی‌ذوق و حال	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست (ص ۱۶۳)					
۶۳۸	جبین	پیشانی	-	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین نه (ص ۱۶۳)					
۶۳۹	روایی	ارزش، اعتبار	روایت، روا	-	.....	☐☐☐ ☐☐☐
نمونه در متن	به سوزی ده کلامم را روایی کز آن گرمی کند آتش گدایی (ص ۱۶۳)					

@pdfkonkour

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت